

کلاس زیر سایه سرکوب:

وضعیت آزادی انجمن و تجمع معلمان در ایران

(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)



ایستادن در برابر



www.davtalab.org

کلاس زیر سایه ی سرکوب:

وضعیت آزادی انجمن و تجمع معلمان در ایران

(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)



www.davtalab.org



گزارش پیش رو، با تمرکز بر دوره‌ی زمانی مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴، به سرکوب حقوق بنیادین آزادی انجمن‌ها و تجمعات مسالمت‌آمیز معلمان در ایران می‌پردازد و رویدادها را در بستر تاریخ طولانی موارد نقض آنها قرار می‌دهد. این گزارش نشان می‌دهد چگونه پیگردهای کیفی، تلافی‌جویی‌های اداری، و کنترل ایدئولوژیک توانسته‌اند در ترکیب با هم، بخشی از سازمان‌یابی مستقل و انتقادی فرهنگیان را از بین ببرند، صدای آنها را به خاموشی بکشانند، و بدین‌ترتیب، آموزش همگانی را تضعیف کنند.

اعتراض‌های معلمان یک‌سال پس از آغاز خیزش ژینا تا زمان حمله‌ی اسرائیل به ایران در جریان «جنگ ۱۲ روزه»، با سرکوب شدید و امنیتی‌شدن فضا مواجه بود. با وجود این، شعله‌ی اعتراض‌ها به‌طور کامل خاموش نشد و با دینامیکی متفاوت ادامه یافت که می‌توان روندهایی مشخص را در آنها و نیز در شکل برخورد حکومت تشخیص داد: در این اعتراض‌ها، بازنشستگان فرهنگی به‌عنوان بخشی از معترضان «سه‌شنبه‌های اعتراضی» بازنشستگان کشوری در مقام هسته‌ی اصلی بسیج خیابانی ظاهر شدند، از مشارکت معلمان شاغل و نیروهای قراردادی کاسته شد، کنشگری دیجیتال و نمادین بین اعتراض‌ها اهمیت بیشتری یافت؛ در حالی که حکومت به تشدید امنیتی‌سازی مطالبات معلمان پرداخت، انواع سرکوب قضایی و اداری را به کار بست، و تنش‌های نظامی‌اش به امنیتی‌شدن فضا و کاهش تجمع‌های اعتراضی به‌طور کلی انجامید. در این بازه‌ی دوساله، حدود ۷۵ رویداد اعتراضی ثبت‌شده در دست‌کم ۲۶ شهر رخ داده است. بازنشستگان فرهنگی در بیش از ۵۰ مورد از این اعتراض‌ها بودند و در چند استان به‌طور هفتگی در «سه‌شنبه‌های اعتراضی» شرکت کردند. معلمان شاغل در حدود یک دوجین اقدام اعتراضی شرکت کردند که مهم‌ترین آن‌ها تجمع‌های سراسری روز معلم در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ بود. معلمان قراردادی، مربیان نهضت سوادآموزی و آموزگاران پیش‌دبستانی چند تجمع کوچک‌تر بر سر قراردادهای حقوق و بیمه برگزار کردند. کارکنان پشتیبانی یک بار مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران بسیج شدند. هم‌زمان حکومت ۲۳۱ مورد بازداشت یا پرونده یا اقدام قضایی و امنیتی علیه معلمان به جریان انداخت، ۷۵ مورد حکم انضباطی اداری – شامل اخراج، بازنشستگی اجباری، تعلیق و تنزل رتبه – صادر کرد، و حدود ۲۰ هزار مدیر مدرسه را جایگزین کرد که شمار قابل توجهی از آنان به دلیل نپذیرفتن اجرای حجاب اجباری یا همکاری با نیروهای امنیتی برکنار شده بودند.



در کل، اقدام‌های تنبیهی و قضایی علیه معلمان شامل بازداشت، اخراج، کاهش حقوق، بازنشستگی اجباری، انتقال به استان‌های دورافتاده، ضبط وسایل شخصی، پابند الکترونیکی، ارجاع اجباری به روان‌پزشکی، حتی در برخی موارد احکام حبس طولانی و حکم اعدام^۱ بود که خطرهای شدید پیش روی فعالان صنفی را نشان می‌دهد.

سرکوب در استان کردستان به طور خاص شدید بود. ده‌ها معلم کرد به دلیل فعالیت صنفی یا دفاع از آموزش به زبان مادری با اخراج، کاهش حقوق یا انتقال تنبیهی روبه‌رو شدند که پیوند سرکوب ملی/اتنیکی و سرکوب کارگری را آشکار می‌کند.

کنترل ایدئولوژیک بر آموزش نیز به قطبی‌تر شدن فضا دامن زده است. در روز معلم ۱۴۰۳، فرهنگیان معترض تغییرات جنسیتی جدید در کتاب‌های درسی و سانسور علمی را محکوم کردند. هم‌زمان رضا مراد صحرایی، وزیر وقت آموزش و پرورش، در دی ۱۴۰۲ از آموزش ۲۰ هزار مؤذن و گسترش نمازخانه‌ها خبر داد، در حالی که آمار رسمی از کمبود ۱۷۶ هزار معلم و افزایش نرخ ترک تحصیل حکایت داشت. دانش‌آموزان و والدین نیز در این دوره در مواردی به اعتراض‌ها پیوستند و نشان دادند که نارضایتی از شلوغی کلاس‌ها، هزینه‌های پنهان و سیاسی‌کردن برنامه‌های درسی فراتر از معلمان است.

گزارش پیش رو در کنار مستندسازی نقض‌های گفته‌شده در بالا، توصیه‌هایی نیز ارائه می‌دهد، از جمله: پایان دادن به جرم‌انگاری فعالیت‌های صنفی، بازگرداندن معلمان اخراج‌شده، برچیدن ساختارهای امنیتی موازی در مدرسه‌ها، و بازسازی فعالیت صنفی فراگیر در میان بدنه‌ی اجتماعی فرهنگیان داخل ایران فراسوی دیدگاه‌های سیاسی متکثر آنها. حکومت ایران بدون اصلاحات فوری در روند برخوردهایش با مطالبه‌گری این گروه مهم اجتماعی، با خطر افت کیفیت بیشتر نظام آموزشی، ازخودبیگانگی بیشتر معلمان با کارشان، و به خطر افتادن آینده‌ی کودکان کشور روبه‌رو خواهد شد.



روش‌شناسی

داوطلب به طور مستمر حق آزادی تاسیس و فعالیت انجمن‌های صنفی و تجمعات مسالمت آمیز را در ایران رصد، و نقض این حقوق بنیادین را مستند می‌کند. گزارش پیش رو در همین راستا، بازه‌ی زمانی مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴ را پوشش می‌دهد و مسأله‌ی اعتراض‌های معلمان را در مسیر تاریخی کنشگری آنها و سرکوب متقابل دولتی از اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰ قرار می‌دهد.

این دومین گزارش جامع درباره حقوق معلمان و سرکوب آنان است که داوطلب تهیه می‌کند؛ گزارش پیشین دوره زمانی مهر ۱۴۰۰ تا اول مهر ۱۴۰۲ را دربر می‌گرفت.

داده‌ها از منابع متعددی گردآوری شده‌اند: مستندات اعتراض‌ها و اقدامات تنبیهی که از طریق شبکه‌های مستقل معلمان جمع‌آوری شده‌اند؛ گفت‌وگو با فعالان مرتبط؛ بیانیه‌های شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و انجمن‌های صنفی محلی معلمان؛ اداره‌های آموزش و پرورش استانی؛ اسناد سیاست‌گذارانه؛ و گزارش‌های رسانه‌ای ایرانی و بین‌المللی (ایلنا، شرق، ایران‌وایر، رادیو زمانه و ...). گزارش همچنین بر مجموعه داده‌های جامعی تکیه دارد که «دیده‌بان حقوق کارگران» (Worker Rights Watch) متعلق به کنشگران داوطلب گردآوری کرده است؛ از جمله گزارش‌های تفصیلی شش‌ماهه‌ی حقوق کارگران و نیز گزارشگری تحقیقی و مستندسازی‌های منتشرشده در وبسایت فارسی «داوطلب» است.

شمار اعتراض‌ها در این گزارش به رویدادهای منحصربه‌فرد اشاره دارد (نه ثبت جداگانه اعتراض‌ها در هر شهر در یک تاریخ واحد) و شامل بازنشستگان، معلمان شاغل، قراردادی یا خرید خدمت، مربیان نهضت سوادآموزی، معلمان پیش‌دبستانی و کارکنان پشتیبانی است. آمار بازداشت‌ها، اخراج‌ها و جایگزینی مدیران مدرسه‌ها با تطبیق میان گزارش‌های حقوق بشری، بیانیه‌های صنفی و اذعان‌های مقام‌های وزارتخانه به‌دست آمده است.

فهرست:

۵	سرکوب حقوق بنیادین معلمان ایران برای آزادی انجمن و تجمع
۶	زمینه و تاریخچه‌ی مختصر پیش از مهر ۱۴۰۲
۱۲	روندهای نوظهور در اعتراض‌های معلمان ایران (۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴)
۱۴	ابعاد و شیوه‌های سرکوب (مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)
۱۹	معلمان، نیروی کار تحت فشار
۲۱	سرکوب انجمن‌های معلمان در کردستان
۲۳	سرکوب انجمن‌های معلمان در فارس
۲۵	حقوق زبان مادری و طرد فرهنگی
۲۷	جغرافیای اعتراض‌ها و پروفایل شرکت‌کنندگان
۳۰	کاهش مشارکت و فرسایش ائتلاف‌ها
۳۴	سرکوب به‌مثابه راهبرد عامدانه دولتی
۳۷	توصیه‌ها
۴۲	نتیجه‌گیری
۴۴	ضمیمه‌ی ۱: جدول زمانی اقدامات قضایی - امنیتی علیه معلمان و فعالان صنفی
۷۱	ضمیمه‌ی ۲: جدول زمانی اقدامات انضباطی وزارت آموزش و پرورش علیه معلمان و فعالان صنفی
۸۴	منابع و پی‌نوشت‌ها:

سرکوب حقوق
بنیادین معلمان
ایران

برای آزادی
انجمن و تجمع



زمینه و تاریخچه مختصر

بیترا از مهر ۱۴۰۲

سازمان‌یابی مستقل میان معلمان ایران تاریخی طولانی و پراشوب دارد که بارها آنان را در برابر حکومت قرار داده است. انجمن‌های محلی معلمان که با عنوان «کانون‌های صنفی معلمان» شناخته می‌شدند، در اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰ و پس از دوره‌ای کوتاه از گشایش سیاسی دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی در چند استان شکل گرفتند. تأسیس «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» در دهه‌ی ۱۳۸۰ چارچوبی ملی ایجاد کرد که این انجمن‌های محلی را به هم پیوند داد. این نهاد به سرعت به مهم‌ترین نماینده‌ی مستقل صدای جمعی معلمان بدل شد و با انتشار بیانیه‌ها، هماهنگ‌کردن اعتراض‌ها و طرح مطالبات برای بهبود دستمزدها، مستمری‌ها و حق گسترده‌تر آموزش رایگان و باکیفیت دست به سازمان‌دهی فرهنگیان زد.

مقام‌های ایرانی پیدایش این انجمن‌های مستقل را تهدید تلقی کردند.^۲ دولت به اعتراض‌های گسترده‌ی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، زمانی که هزاران معلم مقابل مجلس برای اجرای اصلاحات مزدی تجمع کردند، با بازداشت، بازنشستگی اجباری، پرونده‌های کیفری و زندان‌های طولانی پاسخ داد. این چرخه‌ی اعتراض و سرکوب، الگوی سال‌های بعد را تعیین کرد و پس از آن نیز تلاش معلمان برای استفاده از حقوق قانونی خود در زمینه تجمع و تشکلهایابی بارها با سرکوب شدید نیروهای امنیتی و دستگاه قضایی روبه‌رو شد. نهادهای امنیتی انجمن‌های معلمان را نه اتحادیه‌های حرفه‌ای بلکه مخالفان سیاسی بالقوه‌ای می‌دانستند که باید جلوی کارشان گرفته شود.^۳

تاریخ تشدید سرکوب را، به گفته‌ی رابط بین‌الملل کانون هماهنگی انجمن‌های صنفی معلمان، باید به ابتدای دهه‌ی ۹۰ بازگرداند. شیوا عاملی‌راد به «داوطلب» می‌گوید:

«در دهه‌ی نود، با گسترش فعالیت‌های شورای هماهنگی و افزایش تعداد کانون‌ها که به تدریج به یک تشکلهای سراسری منسجم بدل شد، فشارهای امنیتی بسیار بیشتر شد. حاکمیت به جای شنیدن صدای معلمان، در هر مرحله سناریوهای امنیتی طراحی کرد تا اعتراضات را به پروژه‌های مشکوک و وابسته به خارج از کشور نسبت دهد: ارتباط با دشمنان، خط خارجی و مانند اینها. این هم برای بی‌اعتبار کردن شورا بود، هم برای ایجاد رعب و جلوگیری از اعتراضات بعدی... در مجموع باید گفت هر فعالیت صنفی وقتی به سطح جمعی، مداوم و مستمر برسد، در ایران بلافاصله امنیتی تلقی می‌شود. این در مورد معلمان شدیدتر است، چون با گسترده‌ترین لایه‌های جامعه در ارتباط‌اند.»



این سرکوب در سراسر دهه ۱۳۹۰ ادامه یافت. در این دهه، شمار زیادی از فعالان معلمان در سطح ملی و محلی بازداشت شدند، با اتهام‌های میهم امنیت ملی محاکمه شدند و احکام طولانی‌مدت زندان دریافت کردند.^۷ پرونده‌هایی مانند فرزند کمانگر، معلم کرد که در سال ۱۳۸۹ پس از محاکمه‌ای آشکارا ناعادلانه اعدام شد، یا زندانی شدن‌های مکرر فعالانی مانند محمود بهشتی لنگرودی و اسماعیل عیدی، جدیت خشونت‌بار حکومت در برخورد با کنشگری معلمان را نشان داد. سازمان‌های بین‌المللی، از جمله آموزش بین‌الملل، دائماً این موارد نقض حقوق بشر را ثبت و محکوم کردند.^۸ تا اوایل دهه‌ی ۱۴۰۰، سوءظن دولت نسبت به معلمان چنان عمیق شده بود که حتی فعالیت‌های صنفی ملایم مانند گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز، انتشار نامه‌های سرگشاده یا تلاش برای چانه‌زنی با مقام‌ها نیز جرم‌انگاری می‌شد.

معلمان فعال در دادگاه‌ها همواره با اتهام‌های امنیتی رویارو شده‌اند، هرچند بر اساس قانون فعالیت آنها صنفی و مجاز بوده‌است. شیوا عاملی‌راد می‌گوید:

«اتهاماتی که وارد می‌شود همیشه همان اتهامات تکراری است: اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام، تشویش اذهان عمومی، اخلال در نظم عمومی و مواردی از این دست. این در حالی است که تجمعات معلمان همواره مسالمت‌آمیز بوده و طبق تعریف، در قالب فعالیت‌های مدنی و صنفی قرار می‌گیرد: بدون خشونت، بدون شعارهای رادیکال و عمدتاً حول مطالباتی چون حقوق، وضعیت معیشتی، شرایط مدارس، وضعیت دانش‌آموزان و در برخی مناطق نیز حق آموزش به زبان مادری.»

موارد اتهامی در قانون مجازات اسلامی و جرم‌سیاسی به شکلی تصادفی، بدون داشتن مدرک و توجیه محکمه‌پسند حتی در چارچوب دادگاه‌های جمهوری اسلامی علیه فعالان صنفی و کارگری به کار می‌روند. دلیل آن، دخالت آشکار نیروهای امنیتی در روند قضائی و تصمیم‌گیری‌های آنها برای تعیین اتهام و مجازات است.

رابط بین‌الملل کانون هماهنگی انجمن‌های صنفی معلمان، در این باره به « داوطلب » می‌گوید:

«در تمام این سال‌ها، تقریباً تمام اتهاماتی که به معلمان وارد شده، هم از سوی نهادهای امنیتی طراحی شده و هم هدایت شده و هم روندش توسط آنها مشخص شده است. این نهادهای امنیتی هستند که فعالان را احضار کردند، بازداشت کردند، برایشان پرونده‌سازی کردند و سپس یک دادگاه نمایشی برگزار کردند که نقش‌اش مهر تأییدی بر تصمیمات از قبل گرفته‌شده‌ی نهادهای امنیتی است و نقش دادرسی و رسیدگی عادلانه‌ی قضائی ندارد. یعنی از لحظه‌ای که یک پرونده تشکیل می‌شود، تا صدور حکم، کنترل تمام مراحل دست نیروهای امنیتی است و قاضی‌ها هم همان چیزی را اجرا می‌کنند که به آنها گفته می‌شود. حتی برخی بازپرس‌ها صریحاً به معلمان گفته‌اند: «تصمیم دست ما نیست.»

بحران در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و هم‌زمان با اعتراض‌های سراسری پس از قتل ژینا (مهسا) امینی تشدید شد. معلمان و دانش‌آموزان‌شان حضوری پررنگ در خیابان‌ها داشتند. برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان در مقیاسی بزرگ به اعتراضات پیوستند و اغلب از سوی معلمان خود حمایت یا دست‌کم محافظت شدند.^۱ هم‌زمان، موج بی‌سابقه‌ای از حمله‌های شیمیایی به مدرسه‌های دخترانه کشور بین آذر ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۲ رخ داد که ۳۲۵ مدرسه را تحت‌تأثیر قرار داد و بیش از ۱۳ هزار دانش‌آموز را با علائم تنفسی و عصبی راهی مراکز درمانی کرد. شورای هماهنگی با همکاری نزدیک آموزش بین‌الملل این رخدادها را مستند کرد و آسیب‌پذیری ویژه‌ی دختران در نظام آموزشی ایران را برجسته ساخت.^۲ این بحران‌ها در کنار یکدیگر، معلمان را به یکی از بازیگران اصلی در تحولات اجتماعی-سیاسی ایران بدل کرد و هم‌زمان آنان را در معرض انتقام شدیدتر حکومت قرار داد.

هدفمندترین سرکوب‌ها متوجه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و نیز کانون‌های صنفی معلمان در تهران، فارس، کردستان، خوزستان، اصفهان و دیگر استان‌ها بوده است. انجمن‌های محلی در مناطق کردنشین، مانند سنندج و مریوان، به‌ویژه با مجازات‌های سخت روبه‌رو شدند: رهبران‌شان را از کار برکنار کردند یا تنزل رتبه دادند، به استان‌های دورافتاده تبعید کردند، یا پرونده‌های قضایی علیه‌شان تشکیل دادند. فراتر از کانون‌های صنفی، سازمان‌های معلمان همسو با اصلاح‌طلبان نیز پس از افول جنبش اصلاحات در میانه‌ی دهه ۱۳۸۰ تحت فشار قرار گرفتند، هرچند این فشار نسبت به کانون‌های صنفی کمتر بود.

در نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۸۰، به‌ویژه در دوره محمود احمدی‌نژاد، «سازمان معلمان ایران» مانند دیگر سازمان‌های معلمان همسو با اصلاح‌طلبان با سرکوب فزاینده روبه‌رو شد. نیروهای امنیتی اعضای آن را به‌طور منظم احضار و بازجویی می‌کردند و وزارت آموزش و پرورش فعالانش را از سمت‌هایشان برمی‌داشت. در سال ۱۳۸۶، در بحبوحه‌ی سرکوب گسترده‌تر اعتراض‌های معلمان، سازمان معلمان عملاً از کار افتاد، و بسیاری از چهره‌های شاخص‌اش یا اخراج شدند یا به سکوت وادار گردیدند.

این گروه حتی پس از سال ۱۳۹۷ که ساختار قانونی‌اش را برای تطبیق با شرایط جدید دولت بازسازی کرد، همچنان تحت فشار باقی ماند. مقام‌ها کنگره‌های آن را زیر نظر گرفتند، نشست‌های عمومی‌اش را محدود کردند و رهبران‌اش را آزار دادند. در برخی استان‌ها، شاخه‌های محلی هرگز اجازه فعالیت نیافتند. سازمان معلمان تا اوایل دهه‌ی ۱۴۰۰، بخش بزرگی از اعضا و پایگاه استانی خود را از دست داده بود. دبیرکل وقت این سازمان در مصاحبه‌هایی اذعان کرد که با مانع‌تراشی نظام‌مند در حق قانونی‌اش برای تجمع روبه‌رو است. برای نمونه، طاهره نقی‌ئی، در مرداد ۱۴۰۲، دبیرکل سازمان معلمان و نایب‌رئیس جبهه اصلاحات، از سوی دستگاه قضایی به شش ماه حبس تعلیقی، جریمه نقدی و پنج سال ممنوعیت خروج از کشور و مشارکت در گروه‌های سیاسی یا اجتماعی محکوم شد.^۸

حکومت همچنین سازمان‌های موازی خود، یعنی بدنه‌های محافظه‌کار همسو با خط رهبری را تقویت کرد. از جمله اینها، جامعه‌ی اسلامی فرهنگیان، کانون تربیت اسلامی و بسیج فرهنگیان – که به‌طور آشکار به سپاه پاسداران وابسته است – بودند و به ابزارهایی برای مهار یا خنثی‌سازی انجمن‌های مستقل بدل شدند.

سرکوب نهادهای مستقل ادامه یافته است. روزنامه شرق مرداد ۱۴۰۴ نوشت: «پرونده‌های معلمان همچنان باز است»^۹؛ عبارتی که چرخه بی‌پایان آزار قضایی و اداری را نشان می‌دهد و حاکی از این است که فعالان صنفی همواره در معرض تهدید بازداشت، اخراج یا پیگرد قضایی قرار دارند. در کردستان، صدها معلم با کسر حقوق، محرومیت از ترفیع، بازنشستگی اجباری و جابه‌جایی‌های خودسرانه روبه‌رو شده‌اند و به عبارت دیگر، ستون فقرات سازمانی جنبش معلمان در آنجا، همچون دیگر نقاط، هدف قرار گرفته است.^{۱۰}

انجمن‌ها و سازمان‌های معلمان در ایران

جنبش معلمان ایران در چارچوبی دوگانه فعالیت می‌کند: اتحادیه‌های مستقل که با سرکوب مواجه‌اند، و نهادهای وابسته به دولت یا احزاب که برای پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌ها به کار گرفته شده‌اند اما بخشی از آنها، در تحول‌های سیاسی-اجتماعی نزدیک به نیم‌قرن اخیر پس از بر سر کار آمدن حکومت فعلی، به مرور زمان تغییر کرده‌اند و خود هدف سرکوب قرار گرفته‌اند.

بنا به گزارش‌ها، حدود ۴۵ انجمن معلمان در ایران ثبت شده‌اند اما تنها ۲۰ مورد همچنان فعال هستند.

اصلی‌ترین اتحادیه‌های مستقل، «کانون‌های صنفی معلمان» هستند که پس از سال ۱۳۷۸ به مرور زمان شکل گرفتند. نخستین آنها کانون صنفی معلمان ایران (نام پیشین کانون صنفی معلمان تهران) بود که ۱۳۷۸ با تأیید وزارت کشور تأسیس شد و عضو آموزش بین‌الملل است. نهاد چتری بسیاری از این کانون‌ها «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» است که در دهه‌ی ۱۳۸۰ از کانون‌های اولیه صنفی و «کمیته هماهنگی معلمان» شکل گرفت. شورای هماهنگی حدود ۲۰ شاخه استانی را به هم پیوند می‌دهد، اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها را سازمان‌دهی می‌کند و دستمزد و مزایای عادلانه و آزادی معلمان بازداشتی را مطالبه می‌کند. هیچ‌یک از این انجمن‌ها و نهادها قانوناً به رسمیت شناخته نشده‌اند و رهبرانشان با بازداشت، تبعید، اخراج و ممنوعیت‌ها روبه‌رو می‌شوند. سرکوب‌ها در دوره محمود احمدی‌نژاد به‌ویژه پس از بسیج پنج تا شش هزار معلم از سوی انجمن‌های صنفی مقابل مجلس در سال ۱۳۸۶ که به ۵۰۰ بازداشت و تقریباً یک دهه ممنوعیت تجمع انجامید، تشدید شد.

سازمان‌های همسو با اصلاح‌طلبان - از جمله «انجمن اسلامی معلمان ایران» (تأسیس ۱۳۵۶ به دست محمدعلی رجایی، محمدرضا باهنر، محمدحسین بهشتی)، «سازمان معلمان ایران» (تأسیس ۱۳۷۹-۱۳۸۰ و بازسازی‌شده طبق قانون احزاب در ۱۳۹۷ به دبیرکلی طاهره نقی‌ئی)، و «مجمع فرهنگیان اسلامی ایران» (۱۳۸۲) - مسیر کلی جنبش اصلاحات در ایران را دنبال کردند. نهادهای همچون انجمن اسلامی که در آغاز نزدیک به حکومت بود و وظیفه اسلامی‌سازی آموزش را داشت، در دوره ریاست‌جمهوری محمد خاتمی به‌سوی دفاع از اصلاحات سیاسی و فرهنگی حرکت کرد، الگوهای تشکل مدنی را پذیرفت و گاه با اتحادیه‌های مستقل همکاری کرد.

پس از افول اصلاح‌طلبان در اواخر دهه ۱۳۸۰ و سرکوب شدیدتر در زمان احمدی‌نژاد، فضای فعالیت این سازمان‌ها نیز محدود شد. آن‌ها از آن زمان تاکنون، میان همکاری محدود با انجمن‌های مستقل در بیانیه‌های مشترک و حفظ بازشناسی قانونی‌شان تحت نظارت سخت‌گیرانه دولت، تعادل برقرار کرده‌اند که بازتابی از تلاش گسترده‌تر جناح اصلاح‌طلب برای بقا بدون مواجهه مستقیم با سرکوب است.

بدنه‌های همسو با محافظه‌کاران ریشه‌های عمیق‌تری در پروژه دولت‌سازی جمهوری اسلامی پس از ۱۳۵۷ دارند. این گروه‌ها، از «جامعه اسلامی فرهنگیان» (تأسیس ۱۳۶۵ و همسو با جامعه روحانیت مبارز تهران) تا «کانون تربیت اسلامی» (مجوزگرفته در ۱۳۷۷ و زمانی دارای بیش از ۲۰۰ دفتر)، خود را مدافع ارزش‌های انقلابی، وفاداری به رهبر و اسلامی‌سازی آموزش معرفی کردند. آن‌ها از پروژه‌هایی مانند «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، دانشگاه فرهنگیان و احیای معاونت پرورشی^{۱۱} حمایت کردند و در به‌حاشیه‌راندن اتحادیه‌های مستقل تلاش داشتند. در گذر زمان، جناح محافظه‌کار شبکه اسمی خود را گسترش داد و گروه‌هایی مانند «انجمن فرهنگیان جوان»، «جامعه اسلامی فرهنگیان»، «انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان»، «کنگره معلمان انقلاب اسلامی»، «انجمن فرهنگیان جهادی»، «انجمن مدارس اسلامی»، «انجمن فرهنگیان شهید و ایثارگر»، «شبکه معلمان ایران»، «جامعه معلمان و روشنفکران ایران اسلامی» و «گروه معلمان فکور» را شامل کرد. این نهادها اکنون زیر چتر «شورای هماهنگی انجمن‌های معلمان» در وزارت آموزش و پرورش دولت ابراهیم رئیسی متحد شده‌اند. فعالیت آن‌ها بسیار سیاسی اما به‌ندرت ریشه‌دار در بدنه‌ی اجتماعی است: آن‌ها عمدتاً در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس بسیج می‌شوند - مانند سال ۱۴۰۳ که از محافظه‌کاران در برابر مسعود پزشکیان حمایت کردند - و بیش از آن‌که نماینده دغدغه‌های محیط کار معلمان باشند، در خدمت تأمین بودجه، رانت و همسویی ایدئولوژیک عمل می‌کنند.

در نهایت، «بسیج معلمان» (سازمان بسیج معلمان) - شاخه‌ای شبه‌نظامی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - در مدارس و ادارات آموزش و پرورش مستقر است. این نهاد معلمان را زیر نظر دارد، انضباط ایدئولوژیک را تحمیل می‌کند تلاش دارد تا مشارکت در انجمن‌های مستقل را کاهش دهد و در هنگام ناآرامی‌ها همچون بازوی امنیتی دولت در نظام آموزشی عمل می‌کند.

روندها نوظهور در اعتراض‌ها معلمان ایران

(۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴)

اعتراض‌های معلمان یک‌سال پس از آغاز خیزش ژینا تا زمان حمله‌ی اسرائیل به ایران در جریان «جنگ ۱۲ روزه»، با سرکوب شدید و امنیتی‌شدن فضا مواجه بود. با وجود این، شعله‌ی اعتراض‌ها به‌طور کامل خاموش نشد و با دینامیکی متفاوت و گاه به شکل‌های جدید ادامه یافت. در ادامه، روندهای جدید قابل مشاهده در اعتراض‌های دو سال اخیر معلمان ایران را به اختصار فهرست می‌کنیم و در بخش‌های گوناگون بعدی، به شکلی تفصیلی‌تر آنها را به بحث می‌گذاریم.

۱.

بازنشستگان به‌عنوان هسته‌ی اصلی بسیج خیابانی

معلمان بازنشسته به‌عنوان بخشی از بازنشستگان کشوری، بخش عمده‌ی اعتراض‌های علنی، به‌ویژه تجمع‌های هفتگی «سه‌شنبه‌های اعتراضی» را حفظ کرده‌اند، زیرا کمتر در معرض اخراج یا کاهش حقوق قرار دارند. پایداری آن‌ها جنبش را زنده نگاه داشته است، در حالی که خطر برای معلمان شاغل افزایش یافته است.

۲.

کاهش مشارکت معلمان شاغل و نیروهای قراردادی

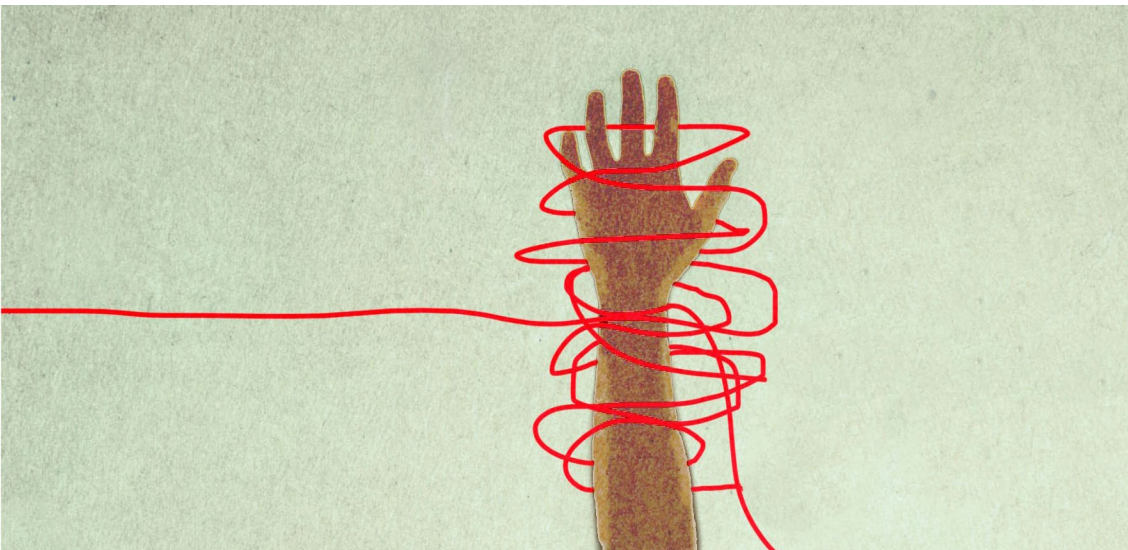
معلمان شاغل، به‌ویژه کسانی که قراردادهای ناپایدار یا خرید خدمتی دارند، به دلیل بازداشت‌های فزاینده، تنزل رتبه، تعلیق حقوق و انتقال‌های اجباری کمتر در خیابان دیده می‌شوند. این روند پایگاه جمعیتی اعتراض‌ها را محدود و هماهنگی را دشوارتر کرده است.

۳.

تبعید اجباری و اثر دیاسپورا

سرکوب فزاینده شماری از فعالان شاخص را وادار به ترک ایران و رفتن به اروپا یا گاه کشورهای همسایه کرده است. آن‌ها در تبعید، آزادی بیشتری برای سخن‌گفتن علنی، ایجاد اتحادهای فراملی و جلب توجه جهانی به مبارزه‌های معلمان ایران را دارند. با این حال، فاصله می‌تواند پیوند آنان با همکاران داخل کشور و بدنه‌ی اجتماعی فرهنگیان را تضعیف، و خطر القای این تصور را ایجاد کند که جنبش از بیرون هدایت می‌شود.





۴.

تشدید امنیتی سازی مطالبات معلمان

مقام‌ها به‌طور فزاینده مطالبات صنفی عادی، مانند اصلاح حقوق، اجرای طرح رتبه‌بندی یا کاهش تراکم کلاس‌ها را «تهدید امنیت ملی» معرفی می‌کنند. تجمع‌های مسالمت‌آمیز با حضور نیروهای ضدشورش روبه‌رو می‌شود و حتی اقدام‌های جزئی مانند خواندن یک بیانیه صنفی می‌تواند به اتهام «تبلیغ علیه نظام» یا «تبانی» منجر شود. این امنیتی‌سازی مشارکت را دلسرد، مرز میان دفاع حرفه‌ای و مخالفت سیاسی را مخدوش، و سرکوب شدید را توجیه می‌کند. همزمان تنش‌های نظامی بین ایران و اسرائیل به‌طور کلی به امنیتی‌شدن فضا و کاهش اعتراض‌ها انجامیده‌است.

۵.

کنشگری دیجیتال و نمادین بین اعتراض‌ها

معلمان با تحت فشار قرار گرفتن بسیج‌های خیابانی، از طومارهای آنلاین، هشتک‌های هماهنگ و اقدام‌های نمادین کوچک برای حفظ دیده‌شدن استفاده کرده‌اند. این تاکتیک‌ها توجه را به مطالبات معلمان حفظ می‌کنند اما قدرت اخلاص‌گری تجمع‌های گسترده را ندارند.

۶.

ائتلاف‌های مدنی گسترده‌تر

گروه‌های والدین، کارآموزان دانشگاه فرهنگیان و دانش‌آموزان بیش از گذشته به مطالبات معلمان پیوسته‌اند و اختلافات مزدی را به مسائل گسترده‌تری مانند شلوغی کلاس‌ها، شهریه‌های پنهان، سانسور برنامه‌های درسی و تبعیض جنسیتی پیوند داده‌اند. گرچه این ائتلاف‌ها زیر فشار دولتی شکننده‌اند، اما نشانه‌ای از جنبشی گسترده‌تر برای آموزش همگانی عادلانه‌تر هستند.

ابعاد و تنبیه‌ها سرکوب

مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴

بازه‌ی زمانی مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴ مرحله‌ای تازه و شدت‌یافته از سرکوب حقوق معلمان بود. ویژگی این دوره هم گستره‌ی وسیع اقدامات تنبیه‌ی، و هم ترکیب نظام‌مند پیگردهای قضایی با مجازات‌های اداری بود که فضایی خفه‌کننده را برای معلمان سراسر کشور ایجاد کرد.

مرکز حقوق بشر ایران در آغاز سال تحصیلی در مهر ۱۴۰۲ گزارش داد^{۱۲} که در ۱۲ ماه پیش از آن، دست‌کم ۹۷ معلم بازداشت یا بازجویی شده‌اند، بیش از ۲۴ محکومیت به اتهام‌های امنیت ملی علیه آنان صادر شده، و صدها معلم به دلیل فعالیت صنفی بازداشت و یا اخراج شده‌اند. شگفت‌انگیزترین مورد، اعتراف وزیر آموزش و پرورش به این موضوع بود که حدود ۲۰ هزار مدیر مدرسه به دلیل همکاری نکردن با نیروهای امنیتی یا ابراز همدلی با دانش‌آموزان و معلمان معترض، برکنار و جایگزین شده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دادند که شماری از برکنار شده‌ها، مدیران زن بودند که از اجرای حجاب اجباری یا پذیرش کنترل‌های امنیتی در مدرسه‌ها امتناع کرده بودند.

در ۱۴۰۳، سرکوب شدت گرفت. در مهر، فعالان صنفی الگوی تازه‌ای از احکام قضایی، بازنشستگی‌های اجباری، تنزل رتبه و کسر حقوق را ثبت کردند. محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی، حکم زندان تازه‌ای گرفت و در آبان ۱۴۰۳ اجرای شش‌ماه حبس دیگر را آغاز کرد. دیگر فعالان، مانند سارا سیاه‌پور در استان البرز، پس از دریافت جایزه حقوق بشر گوانگجو ۱۴۰۲ به نمایندگی از شورای هماهنگی و حضور بدون حجاب در مراسم، خشم ویژه مقامات را برانگیخت و اخراج شد.^{۱۳}

ده‌ها معلم به مناسبت روز معلم در اردیبهشت ۱۴۰۴ در شهرهایی همچون کرمانشاه، هرسین و شیراز، مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع کردند و خواستار دستمزدهای شرافتمندانه، مستمری بالاتر از خط فقر، تخصیص عادلانه بودجه به آموزش، اجرای قوانین موجود و آزادی همکاران بازداشت‌شده شدند هرچند در تهران و شهرهای دیگری تلاش برای تجمع شکست خورد. با وجود این، نیروهای امنیتی با بازداشت پاسخ دادند. تنها در تهران دست‌کم چهار معلم بازداشت شدند. انجمن معلمان تهران بیانیه‌ای تند صادر کرد و ضمن درخواست آزادی فوری آنان، انکارهای رسمی درباره بازداشت‌ها را محکوم کرد.

معترضان همچنین شفافیت در صندوق ذخیره فرهنگیان، حفاظت از حق تجمع و آموزش رایگان و باکیفیت برای همه دانش‌آموزان را مطالبه کردند.

سرکوب در تابستان ۱۴۰۴ ادامه یافت. تا مرداد، منابع صنفی دست‌کم شش اخراج، دو تعلیق، چند بازنشستگی اجباری و یک مورد تبعید داخلی را تنها طی چند هفته گزارش کردند. در کردستان، سازمان‌های حقوق بشری ثبت کردند که از ۱۴۰۱ تاکنون ۷۰۰ حکم کسر حقوق و ۴۷ حکم محرومیت از ترفیع علیه معلمان صادر شده و ده‌ها اخراج و بازنشستگی اجباری رخ داده است.^{۱۴} تنها در مرداد ۱۴۰۴، هفت معلم در دیواندره و سقز با تأیید نهایی احکام اخراج یا تعلیق روبه‌رو شدند. این ارقام نشان‌گر انتقام‌جویی هدفمند علیه معلمانی بود که به فعالیت صنفی شناخته شده بودند.

در ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، نیروهای امنیتی به مجمع فوق‌العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در شهرضا، اصفهان یورش بردند. همه حاضران بازداشت شدند، تلفن‌ها و وسایل شخصی‌شان ضبط گردید و جلسه به‌زور پایان یافت. هرچند بیشتر بازداشت‌شدگان همان روز آزاد شدند، اما مسعود فرهیخته که پیش‌تر حکم پنج‌سال زندان داشت، در بازداشت باقی ماند. شورای هماهنگی این یورش را نقض آشکار حق بنیادین معلمان برای آزادی انجمن تجمع دانست و تأکید کرد که دولت حتی نشست‌های داخلی اتحادیه را نیز تحمل نمی‌کند. در این حمله دست‌کم ۱۸ معلم، از جمله چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون محمد حبیبی، رسول بداقی و عبدالله رضایی بازداشت شدند.

نمونه‌های برجسته‌ی دیگر دامنه‌ی سرکوب علیه معلمان را بهتر نشان می‌دهند. دیوان عالی کشور برکناری محمد سعیدی ابواسحاقی، معلم اهل لردگان در استان چهارمحال و بختیاری را به دلیل شرکت در اعتراض‌ها و ابراز همبستگی علنی با خانواده‌های قربانیان خشونت حکومتی تأیید کرد. در مریوان، معلمی به نام سمیه اخترشمار پس از سال‌ها فعالیت در انجمن معلمان محلی شغلش را از دست داد.^{۱۵} در تهران، نهادهای امنیتی ده‌ها عضو شورای هماهنگی را احضار، بازجویی و تحت فشار قرار دادند تا تعهدنامه‌ای برای عدم مشارکت در فعالیتهای بعدی امضا کنند.

سرکوب به دادگاه‌ها و کلانتری‌ها محدود نماند. هیئت‌های انضباطی وزارت آموزش و پرورش به ابزاری مرکزی بدل شدند. این هیئت‌ها تعلیق، بازنشستگی اجباری، تنزل رتبه، انتقال به مناطق دورافتاده و کسر حقوق را صادر می‌کردند و اغلب این اقدامات هم‌زمان با پرونده‌های قضایی اعمال می‌شد.

در بسیاری موارد، معلمان تحت تهدید پیگرد کیفری مجبور به حضور در این هیئت‌ها می‌شدند و این نظام دوگانه مجازات، امکان هرگونه اعتراض مؤثر را از بین می‌برد. در برخی موارد نگران‌کننده، معلمان معترض تحت فشار به مراکز روان‌پزشکی ارجاع داده شدند؛ روشی که برای تحقیر و ارباب طراحی شده بود.

شیوا عاملی‌راد درباره‌ی نقش وزارت آموزش و پرورش در سرکوب معلمان به «داوطلب» می‌گوید:

«وزارت آموزش و پرورش متأسفانه در اغلب موارد نه‌تنها حمایتی از معلمان نکرده، بلکه عملاً کنار نهادهای امنیتی ایستاده است. اگر در گذشته سعی می‌کرد این همراهی را انکار کند، امروز حتی وارد مرحله‌ی انکار هم نمی‌شود. مدیران مدارس – البته نه همه‌ی آن‌ها – و به‌ویژه حراست ادارات و خود ادارات آموزش و پرورش در استان‌ها و شهرهای مختلف اغلب نخستین جاهایی هستند که علیه معلمان اقدام می‌کنند: بازخواست، فشار، یا معرفی به نهادهای امنیتی. حتی بارها دیده‌ایم پیش از صدور حکم قضایی، خود آموزش و پرورش معلم را تعلیق کرده، به بازنشستگی یا انتقال اجباری واداشته است. در واقع آموزش و پرورش نه‌تنها نقش حمایتی ندارد بلکه بخشی از بازوی سرکوب است.»

ناظران حقوق بشری در بازه‌ی زمانی مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴، ۲۳۱ مورد انفرادی از بازداشت، پیگرد قضایی، اخراج، تبعید داخلی یا پابند الکترونیکی علیه معلمان را به‌خاطر فعالیت صنفی ثبت کردند. این آمار شامل انتقال‌های انضباطی به استان‌های دورافتاده و ارجاعات اجباری به روان‌پزشکی نیز می‌شود؛ روش‌هایی که نه‌تنها برای تنبیه بلکه برای انگ‌زنی به مخالفان به‌کار می‌روند. رواج پابندهای الکترونیکی برای معلمان متهم به «تبلیغ علیه نظام» نشانه‌ای از پیچیدگی فزاینده نظارت حکومتی است. این اقدام‌ها در کنار ۷۵ اقدام انضباطی وزارت آموزش و پرورش، ۲۴ محکومیت امنیتی، و جایگزینی ۲۰ هزار مدیر، نشان می‌دهند که سرکوب معلمان مداوم و عمداً تحقیرآمیز است.

جدول ۱: اقدام‌های قضایی-امنیتی و نیز اداری-انضباطی علیه معلمان به تفکیک استان
(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)^۱

استان	قضایی-امنیتی	انضباطی آموزش و پرورش	مجموع	توضیحات (انواع مشاهده‌شده)
کردستان	۲۱	۲۸	۴۹	بازداشت‌ها، احضارها، شلاق، جریمه نقدی، احکام حبس، تبعید/انتقال اجباری؛ احضارها و تهدیدهای انضباطی، اخراج‌ها، تعلیق‌ها، تنزل رتبه، بازنشستگی اجباری، آرای دیوان عدالت اداری، اخراج دائم
تهران	۳۶	۶	۴۲	بازداشت در تجمعات/مراسم، ضرب‌وشتم، احضارها، احکام حبس (اوین/شهپار)، ممنوع‌الخروجی، نظارت الکترونیکی، یورش و ضبط وسایل؛ اخراج‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه، رد گزینش
فارس	۳۴	۱	۳۵	بازداشت‌ها، احکام سنگین و سپس کاهش‌یافته، احضارها، محرومیت از فعالیت اینترنتی، ممنوع‌الخروجی، جریمه نقدی، پابند الکترونیکی/حبس خانگی، یورش و ضبط وسایل؛ یک اخراج
گیلان	۲۴	۱۰	۳۴	احضارهای مکرر در رشت، احکام حبس (لاکان)، بازداشت‌ها؛ اخراج‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه، تعلیق‌ها، آرای تجدیدنظر
اصفهان	۲۴	۳	۲۷	شامل ۱۸ بازداشت در مجمع شهرضا، بازداشت/محکومیت در نجف‌آباد، احکام تبعید، یورش و ضبط وسایل؛ اخراج‌ها، تعلیق‌ها، تنزل رتبه
البرز (کرج)	۱۱	۱۰	۲۱	احکام دادگاه انقلاب کرج، آرای تجدیدنظر البرز، تمدید حبس خانگی، ممنوع‌الخروجی؛ اخراج‌ها، تعلیق‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه
کرمان	۱۹	۰	۱۹	احضار گسترده ۲۶ فروردین، چندین حکم در مرداد ۱۴۰۴، احضار مرتبط با «ارتباط با اسرائیل»، احکام حبس
بوشهر	۱۵	۱	۱۶	احضارهای متعدد در ۲۷ مهر، احکام شلاق/جریمه در ۱۲ آبان، بازداشت در تجمع ۱۲ مرداد، محکومیت‌های حبس؛ یک اخراج

۱. این جدول بر اساس اطلاعات موجود جمع‌آوری شده است و ممکن است موارد واقعی بیشتر از این باشد. برای اطلاعات بیشتر به ضمیمه‌ی ۱ رجوع کنید.

خراسان شمالی	۱۳	۱	۱۴	احضارها و محکومیت‌های مکرر (مانند واحدی، صفداری)، ورود به زندان؛ یک تنزل رتبه
خراسان رضوی	۶	۴	۱۰	بازداشت‌ها/محکومیت‌ها در مشهد، بازرسی و ضبط وسایل؛ اخراج‌ها، تعلیق‌ها، رد گزینش
خوزستان	۷	۲	۹	بازداشت‌ها و احضارها (ایذه، بهبهان، اهواز، مسجدسلیمان)، احکام حبس؛ تعلیق‌ها
کهگیلویه و بویراحمد	۵	۱	۶	احضارها و رسیدگی‌های قضایی در یاسوج/گچساران؛ یک اخراج
آذربایجان غربی	۴	۱	۵	محکومیت در ارومیه، بازداشت در سردشت، یورش و ضبط وسایل؛ بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه
چهارمحال و بختیاری	۱	۱	۲	محکومیت که به جریمه نقدی تبدیل شد؛ یک اخراج
آذربایجان شرقی	۰	۲	۲	تعلیق‌ها (مانند پرونده علی حاجی)
همدان	۱	۱	۲	بازداشت؛ رد گزینش/محرومیت از اشتغال
ایلام	۲	۰	۲	محکومیت‌های زندان (آبدانان)
لرستان	۱	۱	۲	احضار/انتقال؛ تعلیق/قطع حقوق
مرکزی	۲	۰	۲	محکومیت/انتقال به زندان در اراک
قزوین	۲	۰	۲	احضار، احکام حبس، ممنوع‌الخروجی
کرمانشاه	۱	۰	۱	احضار/بازداشت
مازندران	۰	۱	۱	تعلیق (مثل بیتا قنبری)
سیستان و بلوچستان ^۲	۱	۰	۱	تبعید اجباری/اقامت اجباری در فنوج
خراسان جنوبی	۰	۱	۱	اخراج (بیرجند)
زنجان	۱	۰	۱	مقصد تبعید در پرونده تدریسی

۲. به نظر می‌رسد اطلاعات دقیقی از بلوچستان در دسترس نیست زیرا سیستان و بلوچستان پس از خیزش ژینا یکی از بیشترین موارد نقض شدید حقوق بشر را داشت و احتمالاً شماری از معلمان در آنجا هم اخراج یا دچار محرومیت شده باشند

معلمان نیرو کار

نقد فتنار

بخش آموزش ایران با بحران شدید نیروی انسانی روبه‌رو است. در خرداد ۱۴۰۳، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس به‌طور علنی نسبت به کمبود جدی معلم هشدار داد و کمبود را برای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ حدود ۱۷۶ هزار نفر برآورد کرد. بابک نگهداری توضیح داد که این آمار با فرض استفاده از روش‌هایی مانند جابه‌جایی مدیران، افزایش ظرفیت کلاس‌ها و اتکا به بازنشستگان و نیروهای پاره‌وقت محاسبه شده است^{۱۶}. او همچنین پیش‌بینی کرد که تا شهریور ۱۴۰۳ حدود ۷۲ هزار معلم بازنشسته خواهند شد و بحران تشدید خواهد شد.

وزارت آموزش و پرورش به‌طور فزاینده به بازنشستگان، حق‌التدریسی‌ها و معلمان قراردادی متکی شده است که بسیاری از آن‌ها آموزش کامل یا امنیت شغلی بلندمدت ندارند. برنامه جذب تنها ۳۰ هزار معلم برای سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیاز آموزشی ایران نیست. در مرداد ۱۴۰۴ نیز وزیر آموزش و پرورش کمبود ۱۴۰ هزار معلم برای سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ را پیش‌بینی کرد^{۱۷}.

کمبود معلم با سرکوب تلاقی پیدا می‌کند: فعالان صنفی اخراج‌شده یا زندانی با معلمان باتجربه مشابه جایگزین نمی‌شوند. در برخی استان‌ها، کلاس‌ها تقسیم یا دو برابر شده‌اند و گاه ۵۰ تا ۶۰ دانش‌آموز در یک اتاق جا داده می‌شوند. معترضان به رتبه‌بندی نیز سیاست‌های برون‌سپاری را به چالش کشیده و استدلال کرده‌اند که قراردادهای موقت هم دستمزدها و هم کیفیت آموزش را کاهش می‌دهند. معلمان نگران‌اند که خصوصی‌سازی نه فقط برای کاهش هزینه‌ها بلکه برای تضعیف چانه‌زنی جمعی و متلاشی‌کردن قدرت چانه‌زنی نیروی کار منسجم به‌کار می‌رود. ترکیب آزار حکومتی و کمبود ساختاری نیرو، کیفیت آموزش را تضعیف و معلمان باقی‌مانده را دلسرد می‌کند.

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته‌ی کرمانشاه در بیانیه‌ی اخیرشان به مناسبت آغاز سال تحصیلی در ۳۱ شهریور سال جاری با اشاره به این موضوع نوشتند:

«معلمی که دغدغه نان، درمان و امنیت روانی دارد، نمی‌تواند توان خود را تمام و کمال صرف تربیت دانش‌آموزان کند. بهبود معیشت و احترام به جایگاه معلم، پیش‌شرط موفقیت هر نظام آموزشی است.»

تحمیل همزمان آزار سیاسی، مجازات اداری و ناامنی مالی اثر روانی عمیقی بر آموزگاران گذاشته است. معلمان از فرسودگی، اضطراب و افسردگی ناشی از کلاس‌های شلوغ، دستمزدهای راکد و تهدید دائمی اخراج یا انتقال سخن می‌گویند^{۱۸}. موارد ارجاع اجباری به روان‌پزشکی که برای ارباب معلمان معترض استفاده شده، زخم‌های عمیقی بر روحیه‌ی آنها گذاشته است. تحقیر ناشی از پابند الکترونیکی یا واداشتن به امضای «تعهدنامه» برای عدم فعالیت، شأن حرفه‌ای معلمان را زیر سوال می‌برد. شورای هماهنگی ۲۶ اسفند ۱۴۰۳ در اعتراض به حکم قضائی دیگری علیه یک معلم فعال نوشت: «چنین برخوردهای ناعادلانه‌ای نه تنها نقض آشکار حقوق شهروندی است، بلکه فشار اقتصادی و معیشتی مضاعفی را بر معلمان و خانواده‌هایشان تحمیل کرده و امنیت روانی آنان را به خطر انداخته است.»

کنترل ایدئولوژیک هم بر سلامت روان معلمان جدید اثر گذاشته است. در نامه‌ای از سوی شماری از نومعلمان به کانال تلگرامی شورای هماهنگی فرهنگیان مربوط به ۲۱ مهر ۱۴۰۳ می‌خوانیم:

«ما نومعلمانی هستیم که پس از چهار سال تحصیل تخصصی در دانشگاه فرهنگیان، در حال آماده شدن برای سال اول تدریس بودیم اما بدون منطق و با دلایلی مثل نماز قضا نخواندن، لاک ناخن و آرایش و حتی استوری و لایک پست اینستا از همه چیز محروم شدیم؛ دچار اختلالات‌های روحی و روانی شدید شده‌ایم.»

این فشارها برخی معلمان باتجربه را وادار کرده تا حرفه را ترک یا برای مهاجرت اقدام کنند و این واقعیت نظام آموزشی را هرچه بیشتر از تخصص تهی می‌سازد. همزمان، این فشارها بسیاری از فعالان را به تسلیم و انداخته است. برای نمونه، مژگان باقری، فعال معلمان فارس درباره‌ی امتناع از امضای تعهدنامه به عنوان شرط بازگشت به کار می‌نویسد: «دو سال بازداشت و زندان و پابند و آنهمه هزینه روحی و روانی و مالی و آنهمه فشار به خانواده را تحمل نکرده‌ام که الان با امضای یک تعهد همه را به باد بدهم.»

سرکوب انجمن‌ها معلمان در کردستان

سرکوب کانون‌های صنفی معلمان در ایران در مناطق کردنشین به‌طور خاصی شدید بوده است؛ جایی که فعالیت صنفی با الگوهای دیرینه سرکوب ملی/اتنیکی و سیاسی تلاقی پیدا می‌کند. انجمن‌های معلمان کردستان در سنج و مریوان و دیگر شهرهای منطقه به‌طور مداوم با آزار و فشار روبه‌رو بوده‌اند: از پیگردهای قضایی و زندان گرفته تا مجازات‌های اداری مانند بازنشستگی اجباری، کسر حقوق و تبعید داخلی. به‌نظر می‌رسد مقام‌ها نه‌تنها مصمم به خنثی‌کردن فعالیت صنفی‌اند بلکه می‌خواهند مانع شوند که معلمان کرد حول مسائل کار، فرهنگ و حقوق اقلیت‌ها همبستگی اجتماعی گسترده‌تری بسازند. از سال ۱۴۰۱ به این سو، سرکوب در کردستان به‌طور چشمگیری تشدید شد. سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌های مستقل مستند کرده‌اند که میان ۱۴۰۱ تا اوایل ۱۴۰۴ دست‌کم ۷۰۰ معلم حکم کسر حقوق و ۴۷ معلم حکم محرومیت از ترفیع دریافت کرده‌اند و افراد دیگری به‌طور کامل اخراج، تعلیق یا مجبور به بازنشستگی زودهنگام شده‌اند. در بسیاری موارد، معلمان به بخش‌های دورافتاده و دور از خانواده‌هایشان منتقل شدند که نوعی تبعید تنبیهی برای منزوی‌کردن فعالان است. این مجازات‌ها به‌طور عمده اعضای هیئت‌مدیره‌های منتخب انجمن معلمان کردستان را هدف قرار داد^{۱۹}.

شیوا عاملی‌راد، رابط بین‌الملل کانون هماهنگی انجمن‌های صنفی معلمان، درباره‌ی وضعیت سرکوب در کردستان چنین توضیح می‌دهد:

«سرکوب در کردستان شدیدتر است. انجمن‌های معلمان در کردستان همواره پیوند بیشتری با جامعه داشته‌اند. به همین دلیل سرکوب در آنجا همواره سخت‌تر بوده است. بخشی از این امر به پیشینه‌ی سیاسی و تاریخ خاص کردستان بازمی‌گردد، جایی که مرزی میان فعالیت صنفی و فعالیت سیاسی وجود ندارد. از همین رو حکومت با حساسیت و خشونت بیشتری واکنش نشان می‌دهد. مطالبه‌ای که در شهر دیگر شاید فقط منجر به احضار شود، در کردستان می‌تواند به بازداشت، زندان و اتهامات سنگین‌تر ختم شود. برای نمونه، تنها زنی که در داخل ایران حکم اخراج دائمی گرفته، یکی از اعضای انجمن معلمان مریوان، خانم سمیه اخترشمار است. در حالی که موارد دیگر اخراج دائمی مربوط به معلمانی بوده که خارج از کشور بودند.»

پیگرد قضایی همراه این مجازات‌های اداری بوده است. در ۱۱ خرداد ۱۴۰۴، ۱۵ فعال صنفی معلم در سنج به دادسرای این شهر احضار شدند و این احضارها به اعتراض‌های صنفی آنان مربوط بود^{۲۰}. رسانه‌های کردی گزارش دادند که کیفرخواست‌ها معمولاً شامل اتهام‌هایی چون «تبانی علیه نظام» یا «تبلیغ علیه نظام» بوده‌اند که بی‌اساس‌اند و به‌طور گسترده برای خاموش کردن کنش مدنی استفاده می‌شوند.

سرکوب در مرداد ۱۴۰۴ عمیق‌تر شد، زمانی که دادگاه‌های دیواندره و سقز، با وجود فرجام‌خواهی و کارزارهای همبستگی گسترده، احکام اخراج و تعلیق هفت معلم را تأیید یا تشدید کردند^{۲۱}. گزارش‌های مستقل تأیید کردند که این معلمان هدف قرار گرفته اعضای فعال اتحادیه‌های محلی بوده‌اند که از همکاران تحت تعقیب دفاع علنی کرده بودند.

پرونده‌هایی مانند سمیه اخترشمار در مریوان، که پس از سال‌ها تدریس و فعالیت صنفی اخراج شد، هزینه شخصی سنگین این سرکوب را نشان می‌دهد: دهه‌ها خدمت حرفه‌ای که با احکام انضباطی سیاسی‌شده از میان رفت.

فضای کلی ارباب در کردستان همچنین به بازداشت‌های متعدد منجر شده است. گزارش‌های اوایل ۱۴۰۴ بازداشت چند فعال صنفی شناخته‌شده را ثبت کردند که از امضای «تعهدنامه»های اجباری برای ترک فعالیت سر باز زده بودند. در برخی موارد، خانواده‌های معلمان بازداشت‌شده تهدید شدند که در صورت سخن گفتن علنی با از دست‌دادن شغل یا آزار روبه‌رو خواهند شد.

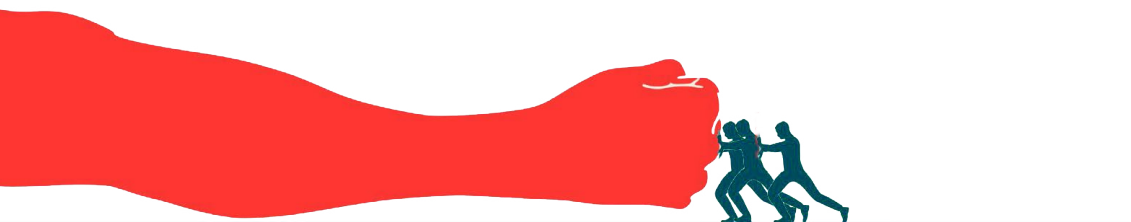
با وجود این فشارها، معلمان کرد مقاوم مانده‌اند. آن‌ها گردهمایی‌های همبستگی مقابل دادگاه‌ها برگزار کردند، بیانیه‌های جمعی صادر کردند، و در پی اتحاد با دیگر گروه‌های مدنی برآمدند. اعتراض‌های آنان اغلب پژواک همان مطالبات ملی، مانند دستمزد عادلانه، اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان و حق آموزش رایگان بود اما هم‌زمان سرکوب نامتناسبی را که به‌عنوان کرد تجربه می‌کنند، برجسته کرد.

هدف‌گیری معلمان کردستان، ماهیت دوگانه سرکوب در ایران را آشکار می‌کند: از یک سو تلاشی نظام‌مند برای برچیدن اتحادیه‌های مستقل در سراسر کشور و از سوی دیگر سرکوبی مبتنی بر ملیت/اتنیک که به‌طور خاص به تضعیف سازمان‌های مدنی کرد می‌پردازد.

سرکوب انجمن‌ها معلمان در فارس

استان فارس، که شهرهای شیراز، کازرون، مرودشت و دیگر مراکز آموزشی مهم را در خود جای داده است، از دیرباز یکی از پایگاه‌های اصلی کنشگری معلمان بوده است. از اوایل دهه ۱۳۸۰ به بعد، فرهنگیان محلی از طریق شبکه‌های غیررسمی مانند «کنشگران فارس» سنت‌های صنفی را در دوره‌های سرکوب شدید زنده نگاه داشتند. این تلاش‌ها سرانجام به تشکیل «انجمن صنفی معلمان فارس» انجامید که پس از آن که مقامات دولتی درخواست ثبت قانونی آن را طبق اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون احزاب و انجمن‌ها نادیده گرفتند، در اواخر ۱۴۰۲ موجودیت خود را علنی اعلام کرد. این گروه آگاهانه پایگاهی گسترده و فراجناحی در میان جامعه متنوع استان، از معلمان لر، ترک، عرب و فارس، ایجاد کرد و تمرکز خود را بر دستمزدها، مستمری‌ها و کیفیت آموزش گذاشت، نه بر سیاست‌های حزبی.

تجمع ۲۲ آذر ۱۴۰۰ در شیراز نقطه عطفی زود هنگام بود که نشان داد سال‌ها شبکه‌سازی آرام چگونه می‌تواند بسیجی منظم و سراسری در استان به وجود آورد.^{۲۳} صدها معلم از سه منطقه شیراز و شهرهای اطراف به مرکز استان آمدند تا علیه اجرای ناقص طرح رتبه‌بندی معلمان و بی‌توجهی به همسان‌سازی مستمری بازنشستگان اعتراض کنند. تجربه آن تجمع و اعتراض‌های محلی بعدی در طول ۱۴۰۱ اعتماد میان فعالان فارس را تقویت و قدرت اقدام جمعی سازمان‌یافته حتی در شرایط نظارت امنیتی را نشان داد.



وقتی خیزش ژینا در اواخر ۱۴۰۱ آغاز شد، معلمان فارس را برانگیخت تا مطالبات اقتصادی و حرفه‌ای خود را در چارچوب مبارزه‌ای گسترده‌تر برای کرامت، حقوق و عدالت اجتماعی طرح کنند. انرژی سراسری آن خیزش، همراه با وخامت شرایط اقتصادی، به فرهنگیان محلی جسارت داد تا شبکه‌های استانی خود را بازسازی کنند و آشکارتر با شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران همسو شوند. تا سال ۱۴۰۲، اعتراض‌های ملی زیر فشار سرکوب فروکش کرد.

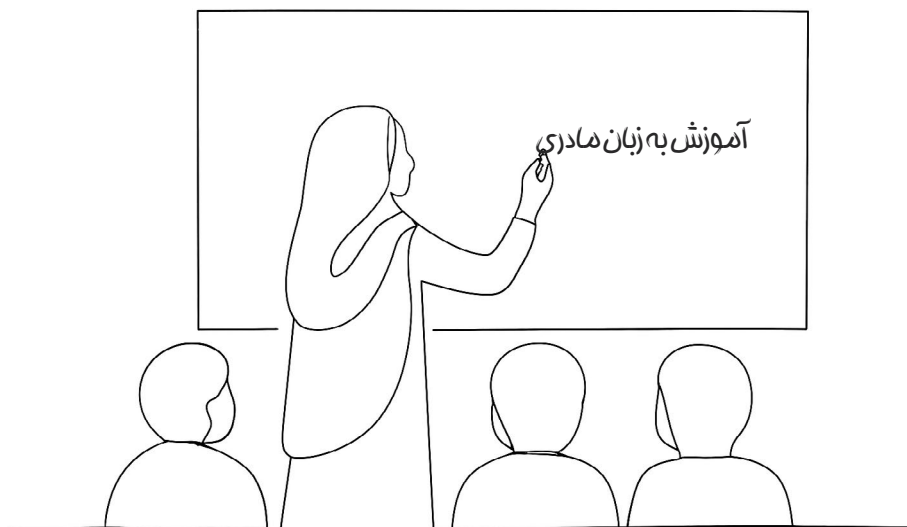
سرکوب پس از آن شدید بود. داده‌های تأییدشده نشان می‌دهد که میان شهریور ۱۴۰۲ تا شهریور ۱۴۰۴، ۲۵ اقدام قضایی-امنیتی و یک مورد اقدام انضباطی وزارت آموزش و پرورش علیه فرهنگیان فارس ثبت شده است که دومین آمار بالای استانی در سطح کشور به شمار می‌آید. دادگاه‌های شیراز چندین حکم پنج‌ساله زندان برای فعالان شاخصی از جمله مژگان باقری، اصغر امیرزادگان، غلامرضا غلامی، افشین رزمجویی و ایرج رهنما صادر کردند. دیگران، مانند زهرا اسفندیاری، به احکام کوتاه‌تر حبس یا حبس خانگی با نظارت الکترونیکی محکوم شدند. اطلاعات سپاه و پلیس امنیت بارها به منازل یورش بردند، دستگاه‌ها را ضبط کردند و حکم به ممنوع‌الخروجی دادند. مجازات‌های اداری نیز، هرچند کمتر، رخ داد و یک مورد تأییدشده از اخراج از سوی هیئت انضباطی وزارت آموزش و پرورش در تجدیدنظر تأیید شد.

حقوق زبان مادر و ملرد فرهنگے

حقوق فرهنگے بُعدی است که اغلب در مبارزه برای عدالت آموزشی نادیده گرفته می‌شود. موارد مستند نشان می‌دهند شماری از معلمان کرد تنها به دلیل دفاع از آموزش به زبان مادری احضار، بازجویی یا منتقل شده‌اند^{۲۳}. این در حالی است که اصل ۱۵ قانون اساسی آموزش زبان‌های محلی در کنار فارسی را مجاز می‌داند اما در عمل تلاش‌ها برای اجرای آموزش به زبان مادری به‌طور معمول به‌عنوان اقدامی براندازانه تلقی می‌شود^{۲۴}.

فرهنگیان کرد استدلال می‌کنند که آموزش به زبان مادری می‌تواند نرخ ترک تحصیل را کاهش دهد و سواد را در مناطق کردنشین بهبود بخشد؛ جایی که دانش‌آموزان اغلب با تسلط اندک بر فارسی وارد مدرسه می‌شوند. در مقابل، واکنش دولت – انتقال‌های تنبیهی به استان‌های دور، کسر حقوق یا حتی پیگرد کیفری – سیاستی از یک‌دست‌سازی فرهنگے را آشکار می‌کند. الگوهای مشابهی بر دیگر اقلیت‌ها از جمله عرب‌ها در خوزستان^{۲۵} و ترکمن‌ها در گلستان^{۲۶} تأثیر گذاشته است، هرچند موارد مربوط به کردها بیشترین مستندسازی را دارند.

این سرکوب فرهنگے، الگوی وسیع‌تری را که در سراسر گزارش توصیف شده تقویت می‌کند: اقدام مدنی مستقل در آموزش، چه درباره دستمزدها، چه مدیریت و چه حقوق زبانی، به‌طور نظام‌مند جرم‌انگاری می‌شود. این روند همچنین اعتماد میان جوامع اقلیت و دولت را تضعیف می‌کند و شکاف‌های اجتماعی را که فراتر از کلاس درس گسترش می‌یابند، عمیق‌تر می‌سازد.



نفوذ انجمن‌ها و کانون‌های صنفی معلمان بر سیاست‌گذاری آموزشی:

موفق در شکل‌دادن به گفتمان‌ها و محدود در دگرگون‌سازی سیاست‌ها

انجمن‌ها و کانون‌های صنفی معلمان ایران در دو دهه گذشته، از مطالبات محدود و مزدی به کنشگری گسترده‌تر و عدالت‌محور روی آورده‌اند که آموزش رایگان، برابر و باکیفیت را مطالبه می‌کند. این اتحادیه‌ها توانسته‌اند با تمرکززدایی از ساختارهای خود، گنجاندن زنان و اقلیت‌های اتمیکی بیشتر در رهبری، بسیج از طریق شبکه‌های اجتماعی و ایجاد پیوند با جنبش‌های کارگری و مدنی، اصلاحات آموزشی را به مرکز مباحث عمومی بیاورند و دولت را وادارند قانون دیرهنگام رتبه‌بندی معلمان را سرانجام تصویب کند.

با این‌همه، اثرگذاری آن‌ها بیشتر گفتمانی بوده تا قانون‌گذارانه و سیاست‌گذارانه. سرکوب مداوم حکومتی، بحران شدید اقتصادی، حذف از شبکه‌های بین‌المللی و روابط بی‌ثبات با مقام‌های دولتی، بیشتر مطالبات کلیدی معلمان مانند آموزش به زبان مادری، تضمین‌های متناسب در برابر خصوصی‌سازی، و کاهش تراکم کلاس‌ها تحقق نیابند. بزرگ‌ترین نفوذ اتحادیه‌ها تاکنون بازتعریف گفت‌وگوی عمومی درباره آموزش و پیوند زدن دغدغه‌های کلاس درس با مبارزه‌های گسترده‌تر عدالت اجتماعی بوده است، نه تحقق تغییرات ساختاری در سیاست‌ها^{۳۶}.

جغرافیا اعتراض‌ها و بیروفایل نت‌رکت‌کنندگان

معلمان علی‌رغم فضای ترس و ارباب حکومتی، به بسیج برای مطالبه‌گری ادامه دادند. فعالان فرهنگی بلافاصله پس از اعتراض‌های «زن، زندگی، آزادی» که گردهمایی‌های فیزیکی دیگر تقریباً ناممکن شده بود، با اقدام‌های نمادین و آنلاین حضور خود را حفظ کردند. این اقدام‌ها شامل طوماری با ۱۰۰ هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی، بیانیه‌های عمومی محکوم‌کننده قتل آرمیتا گراوند و اعتراض به بازداشت‌های فعالان حقوق زنان در گیلان بود. گرچه این موارد اعتراضات خیابانی نبودند، اما توجه ملی به حقوق معلمان را زنده نگه داشتند و پلی شدند به سوی بسیج‌های خیابانی دوباره در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴.

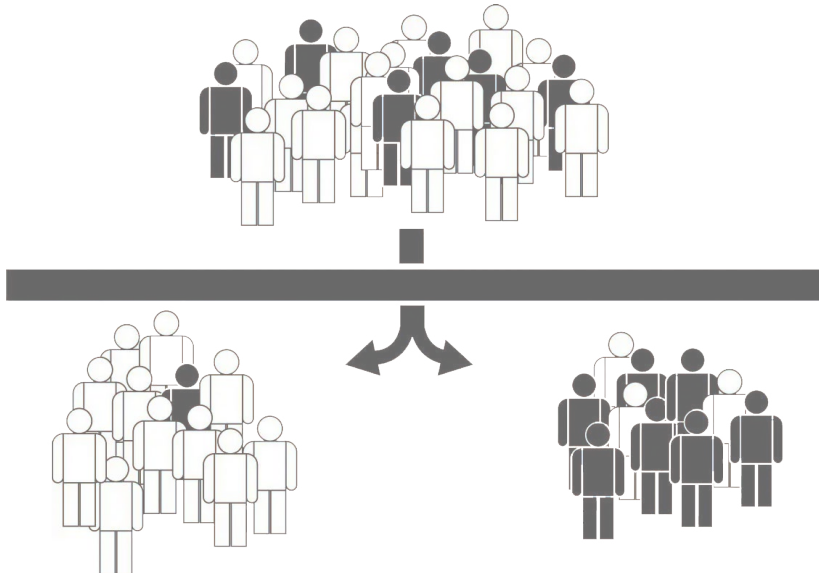
در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳، موجی از اعتراض‌های هماهنگ روز معلم سراسر ایران را فراگرفت و هم معلمان شاغل و هم بازنشسته را به خیابان‌ها کشاند – هرچند با جمعیتی کمتر از گذشته. این اعتراضات در شهرهایی از جمله تهران، هرسین، اسلام‌آباد غرب، الیگودرز، سقز، مریوان، سنندج، سقز، نورآباد ممسنی، یاسوج، قزوین، رشت، رودبار، فومن، لنگرود، انزلی و لاهیجان، اراک و خرم‌آباد ثبت شد. معلمان با وجود حضور سنگین نیروهای امنیتی و در برخی مکان‌ها مزاحمت و بازداشت، مقابل اداره‌های آموزش و پرورش و ساختمان‌های دولتی تجمع کردند. مطالبات آن‌ها نشان‌دهنده خشم عمیق از سختی‌های اقتصادی و بی‌توجهی دولت بود: آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به اقدام‌های تنبیهی مانند اخراج و بازنشستگی اجباری؛ پرداخت حقوق‌ها و پاداش‌های معوق از سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱؛ اجرای کامل و عادلانه طرح رتبه‌بندی برای همه معلمان؛ تأمین بودجه کافی برای آموزش همگانی و برابر، از جمله ساختمان‌های ایمن برای سه میلیون دانش‌آموز در کلاس‌های خطرناک؛ مقابله با خصوصی‌سازی خزنه آموزش؛ حذف تبعیض جنسیتی و محتوای مردسالارانه در کتاب‌های درسی؛ و همسان‌سازی کامل مستمری بازنشستگان طبق قانون ملی. این اعتراض‌ها جبهه‌ای واحد را نشان داد که عدالت اقتصادی، کرامت حرفه‌ای و اصلاحات ساختاری را به هم پیوند زد.

در بازه‌ی بین مهر ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۴ – پیش از حمله‌ی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به ایران^{۲۸} – اعتراض‌های ثبت‌شده در دست‌کم ۲۶ شهر ایران رخ داد. اهواز و سنج‌ فعال‌ترین مراکز باقی ماندند و هرکدام بیش از دوازده تجمع در این دوره برگزار کردند. کرمانشاه، یزد و تهران نیز تجمع‌های مکرر داشتند و نقش پایدار خود را در این جنبش نشان دادند. دیگر شهرها، از جمله شیراز، نورآباد ممسنی، مریوان، اراک، قزوین، اردبیل، رشت، یاسوج، راسک، بنت، آشور، اصفهان، ساری، خرم‌آباد، ایلام، کرج، مشهد، همدان، فومن، لاهیجان، رودبار و اسلام‌آباد غرب، هر کدام دست‌کم یک تجمع را شاهد بودند که این گستره بسیج در کشور را نشان می‌دهد.

بازنشستگان فرهنگی به‌عنوان بخشی از بازنشستگان کشوری معترض، بیشترین حضور مستمر را داشتند و حول مطالباتی مانند مزایای پایان خدمت معوق، حقوق بازنشستگی و همسان‌سازی مستمری‌ها گرد آمدند. معلمان قراردادی و خرید خدمتی، مربیان نهضت سوادآموزی و معلمان پیش‌دبستانی علیه فقدان قرارداد رسمی، حقوق معوق و نبود بیمه اعتراض کردند. معلمان شاغل به خیابان آمدند تا افزایش دستمزد، اجرای طرح رتبه‌بندی و پایان جرم‌انگاری فعالیت صنفی را مطالبه کنند. گروه‌های تخصصی مانند سرباز معلمان و فارغ‌التحصیلان تازه دانشگاه فرهنگیان نیز در تهران و مراکز استان‌ها بر سر قوانین جذب و شرایط استخدام تجمع کردند. در کردستان، معلمان بارها مقابل دادگاه‌ها در همبستگی با همکاران در حال محاکمه یا تجدیدنظر تجمع کردند.

مطالبات مطرح‌شده به طرز چشمگیری همسو بود. معلمان خواستار دستمزد بالاتر از خط فقر، اجرای کامل قانون خدمات کشوری و طرح رتبه‌بندی معلمان، امنیت شغلی و بازنشستگی شرافتمندانه بودند. آن‌ها آموزش رایگان و باکیفیت برای همه‌ی دانش‌آموزان، تخصیص بودجه کافی و شفاف به آموزش و حفاظت از صندوق ذخیره فرهنگیان از سوءمدیریت را مطالبه کردند. همچنین بر حق بنیادین تجمع و اعتراض مسالمت‌آمیز بدون سرکوب، آزادی همکاران زندانی و پایان دادن به سوءاستفاده از اتهام‌های امنیت ملی علیه فعالان صنفی تأکید داشتند.

در همین دوره، دانش‌آموزان ایرانی نیز چند اعتراض چشمگیر برگزار کردند که همبستگی با معلمان و خشم از شرایط اثرگذار بر آموزش خودشان را نشان می‌داد. در ۳۰ آبان ۱۴۰۲، دختران مدرسه خاک‌راه در شیراز با شعار «معلمان زندانی را آزاد کنید» برای حمایت از مژگان باقری، معلم زندانی، گرد آمدند و یک پرونده انضباطی محلی را به اعتراض گسترده‌تری علیه سرکوب بدل کردند.^{۲۹}



در ۲۳ خرداد ۱۴۰۳، دانش‌آموزان قم علیه آزمون‌های ناعادلانه و طراحی ضعیف امتحانات نهایی و شایعات گسترده درباره فروش سؤالات فاش‌شده از سوی سودجویان آموزشی تجمع کردند^{۳۰}؛ اتهام‌هایی که آن‌ها به فساد ساختاری و پولی‌سازی آموزش پیوند دادند. در دیگر نقاط در این دوره، اقدام‌های نمادین و اعتصاب‌های کوتاه‌تر علیه شلوغی کلاس‌ها، معلمان جایگزین بی‌تجربه و محتوای درسی سیاسی‌شده که بسیاری آن را بی‌ربط به آینده‌شان می‌دانند، برگزار شد. در همه این رویدادها، دانش‌آموزان شفافیت و عدالت در آزمون‌ها، دسترسی برابر به آموزش باکیفیت بدون توجه به طبقه اجتماعی، مدارس ایمن‌تر و مجهزتر و پایان جرم‌انگاری معلمان را که برای یادگیری آن‌ها مبارزه می‌کنند، خواستار شدند. این اعتراض‌ها نشان می‌دهد که نارضایتی دانش‌آموزان چقدر عمیق با مشکلات معلمان گره خورده و چگونه ریاضت اقتصادی، خصوصی‌سازی و کنترل سیاسی در حال باز شکل‌دهی به فضای آموزشی است.

والدین نیز هرچه بیشتر به این مبارزه آموزشی پیوسته‌اند. در چند استان، انجمن‌های والدین به تجمع‌های معلمان پیوستند تا خواستار مدارس ایمن‌تر، تخصیص عادلانه بودجه و پایان هزینه‌های پنهان شوند. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان طومارهایی در حمایت از معلمان زندانی امضا، و نشست‌های آگاهی‌بخشی برای جلب توجه به سرکوب در بخش آموزش برگزار کردند.

گرچه این ائتلاف‌ها شکننده‌اند و زیر فشار دولت قرار دارند، اما نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه برای ائتلاف‌های مدنی گسترده‌تری هستند که خانواده‌ها، دانش‌آموزان و معلمان را در دفاع از عدالت آموزشی به هم پیوند می‌دهند.

کاهش مشارکت و فرسایش ائتلافها

اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ۱۴۰۳ به «رادیو فردا»^{۳۱} از کاهش مشارکت معلمان در اعتراضهای خیابانی خبر داد و آن را نتیجه فشار و سرکوب شدید امنیتی دانست. او توضیح داد که پس از موجهای بازداشت، اخراج، بازنشستگی اجباری و تهدیدهای دائمی، بسیاری از معلمان ناچار به عقبنشینی از کنشگری میدانی شدند. با وجود این عقبنشینی، موج تازه‌ای از احضارها، بازداشت‌ها و فشارهای امنیتی از اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد و در ۱۴۰۳ ادامه یافت. لطفی این وضعیت را بخشی از راهبرد گسترده‌تر دولت برای یکدست‌سازی نظام آموزشی و کنترل معیشت معلمان از طریق حذف نظام پرداخت مبتنی بر رتبه و استفاده از مجازات‌های اداری توصیف کرد و تأکید داشت که چنین سرکوبی مستقیماً انگیزه و توان سازمان‌دهی اقدام جمعی را تضعیف کرده است.

گرچه تشدید سرکوب بخش بزرگی از دشواری‌های بسیج جمعی را توضیح می‌دهد، همه‌چیز را نمی‌گویند. محمود بهشتی لنگرودی، یکی از فعالان صنفی معلمان ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ و در اشاره به حضور اندک معلمان در اعتراضات سرتاسری آن روز نوشت:

«آنچه رخ داد، نمایانگر واقعیتی پیچیده‌تر است؛ واقعیتی که در آن جنبش معلمان میان فشار بیرونی، فرسودگی درونی و امیدهای پراکنده در نوسان است. باید به روشنی گفت که اگرچه ارباب و تهدید تأثیرگذار بوده، اما همه‌ی ماجرا نیست. خستگی، یأس ناشی از بی‌نتیجگی کنش‌های پیشین، اختلافات داخلی، نبود برنامه‌ی روشن و گسست میان نسل‌ها و ... نیز در عدم مشارکت گسترده‌ی معلمان نقش داشته‌اند.»

بنابراین، پویایی درونی در جنبش معلمان نیز به کاهش مشارکت کمک کرده‌اند. شاید یکی از آنها سیاسی‌سازی بیش‌ازحد برخی انجمن‌ها و فرسایش ائتلاف‌ها میان گروه‌های مختلف باشد که دامنه و انرژی اقدام جمعی را کاهش داده است.

نهادهای صنفی مستقل معلمان در ابتدا قدرت خود را از تمرکز بر دغدغه‌های حرفه‌ای و اقتصادی مشترک میان همه معلمان، بدون توجه به گرایش سیاسی، به دست آوردند. مطالباتی مانند دستمزد مناسب، مستمری بالاتر از خط فقر، امنیت شغلی و حق آموزش رایگان و باکیفیت به‌طور گسترده در بدنه معلمان طنین‌انداز شد. در دهه‌ی ۱۳۸۰، این پلتفرم فراگیر جنبش را قادر ساخت هزاران نفر را بسیج کند و به اعتراض‌های تاریخی ۱۳۸۶ مقابل مجلس انجامید که هزاران معلم برای اصلاح دستمزدها گرد آمدند. در آن زمان حتی انجمن‌های همسو با اصلاح‌طلبان نیز با انجمن‌های مستقل صنفی همکاری کردند تا جبهه‌ای متحد ارائه دهند.

در سال‌های اخیر اما منتقدانی درون جنبش استدلال می‌کنند که جهت‌گیری برخی سازمان‌ها از این مسائل بنیادی معیشتی به‌سوی سیاست‌های رادیکال منحرف شده است. آن‌ها این تغییر را «تغییر پارادایم» یا حتی «انحراف» در نقش انجمن‌ها توصیف می‌کنند. به گفته‌ی آنها، این سیاسی‌سازی وحدت را تضعیف و بسیاری از معلمانی را که احساس می‌کردند دغدغه‌های معیشتی‌شان فدای دستورکارهای سیاسی شده، بیگانه کرده است. این اثر به‌ویژه در مقیاس‌های محلی آشکارتر بوده؛ جایی که معلمان کمتر مایل به خطرکردن برای سازمان‌هایی هستند که جدا از مشکلات روزمره‌شان به‌نظر می‌رسند.

در بازه‌ی زمانی مهر ۱۴۰۲ و مهر ۱۴۰۴، بازنشستگان آشکارا رهبری اعتراض‌های بخش آموزش ایران را برعهده داشتند. از حدود ۷۵ اعتراض منحصربه‌فرد در این بازه دوساله، بازنشستگان فرهنگی به عنوان بخشی از بازنشستگان کشوری بیش از ۵۰ مورد را سازمان‌دهی یا رهبری کردند و تجمع‌های هفتگی سه‌شنبه‌های اعتراضی مربوط به همه‌ی بازنشستگان کشوری را در استان‌های متعددی مانند اهواز، کرمانشاه، سنندج، یزد، تهران، شیراز، اراک، اردبیل و قزوین زنده نگه داشتند. معلمان شاغل حدود ۱۲ رویداد اعتراضی را برگزار کردند که مهم‌ترین آن‌ها اعتراضات سراسری روز معلم در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ بود که ده‌ها شهر را دربر گرفت. معلمان خریدخدمتی و قراردادی، مربیان نهضت سوادآموزی و معلمان پیش‌دبستانی حدود هفت اعتراض منحصربه‌فرد را رقم زدند؛ مانند اعتصاب‌ها و تجمع‌های یزد و راسک برای قرارداد دائمی، پرداخت معوقات و بهبود شرایط. نیروهای پشتیبانی (سرایداران و کارکنان خدماتی) تنها یک بار به‌عنوان گروهی مستقل تجمع کردند و یکم اردیبهشت ۱۴۰۳ مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران برای اعتراض به دستمزدهای راكد گرد آمدند.

این الگو نشان می‌دهد که در حالی که بازنشستگان - که کمتر در معرض اخراج یا تنزل رتبه‌اند - نیرویی پایدار و قابل مشاهده باقی مانده‌اند، معلمان شاغل به دلیل سرکوب و ناامنی اقتصادی از حضور مکرر در اعتراض‌ها خودداری کرده‌اند. اعتراض‌های محدود معلمان قراردادی و خرید خدمتی ناامنی شغلی و حقوق معوق آنها را برجسته کرد اما ثبات و تداومی نداشت. نیروهای پشتیبانی، با وجود فشارهای معیشتی مشابه اما بدون شبکه‌های سازمان‌یافته، تنها به صورت پراکنده بسیج شدند.

این کاهش مشارکت هم‌زمان با فروپاشی ائتلاف‌ها بوده است. در میانه دهه ۱۳۸۰، با وجود اختلافات سیاسی، انجمن‌های همسو با اصلاح‌طلبان و انجمن‌های صنفی مستقل توانستند در بیانیه‌ها و اقدام‌های هماهنگ همکاری کنند. امروز چنین همکاری‌ای تقریباً فروپاشیده است. گروه‌های مستقل از انجمن‌های اصلاح‌طلبی که آنها را سازش‌کار یا ناکارآمد می‌دانند فاصله گرفته‌اند، در حالی که نهادهای محافظه‌کار صرفاً به عنوان ابزارهای تأییدشده حکومتی برای مقابله با فعالیت مستقل عمل می‌کنند. شورای هماهنگی که هنوز مهم‌ترین نهاد چتری معلمان است، شاهد کاهش شاخه‌های فعال استانی خود به حدود ۲۰ مورد شده، در حالی که در اوج خود نزدیک به ۴۰ شاخه داشت. این تضعیف شبکه به این معناست که فراخوان‌های ملی برای اقدام اعتراضی دشوارتر اجرا می‌شوند، هماهنگی میان استان‌ها پراکنده‌تر است، و همبستگی شکننده‌تر.

فرسایش ائتلاف‌ها همچنین شکاف‌های نسلی و راهبردی درون جنبش را عمیق‌تر کرده است. معلمان جوان‌تر، نیروهای قراردادی و فعالان زن اغلب احساس می‌کنند از فرایندهای تصمیم‌گیری که تحت سلطه چهره‌های قدیمی‌تر و جاافتاده‌تر است، کنار گذاشته شده‌اند. برخی منتقدان هشدار داده‌اند که این جنبش در خطر تبدیل شدن به شبکه‌ای صرفاً اسمی است که ظرفیت اندکی برای تبدیل خشم‌های مردمی به بسیج جمعی دارد. بدون استراتژی مشخصی برای ادغام معنادار همه‌ی گروه‌های فعال، گروه‌های تازه‌ی معلمان در حاشیه باقی می‌مانند و جنبش صنفی دشوارتر می‌تواند پایگاه خود را گسترش دهد.^{۳۲}



نتیجه کلی، کوچک شدن پایگاه اعتراضی است. درحالی که زمانی هزاران معلم در سراسر کشور بسیج می شدند، تجمع های اخیر تعداد کمتری را جذب کرده و عمدتاً در میان بازنشستگان و هسته ای از فعالان متعهد متمرکز شده اند. این کاهش مشارکت، قدرت چانه زنی جنبش را کاهش می دهد، موقعیت مذاکره آن را تضعیف می کند و آسیب پذیری اش در برابر سرکوب را افزایش می دهد. همچنین خطر ایجاد این برداشت در افکار عمومی وجود دارد که اعتراض های معلمان دیگر آن نیروی اجتماعی گسترده ای را نمایندگی نمی کند که پیش تر وجود داشت.

بازگرداندن این روند نزولی نیازمند اقدام آگاهانه است. انجمن های معلمان باید دوباره دغدغه های معیشتی را در مرکز قرار دهند، اعتماد پایگاه های محلی را بازسازی کنند و فضایی برای مشارکت معلمان جوان تر و بی ثبات تر بگشایند. بدون چنین تلاشی، ترکیب سرکوب، سیاسی سازی و فروپاشی ائتلاف ها به تضعیف پایگاه جمعی جنبش ادامه خواهد داد و رهبران آن را منزوی و ظرفیت مقاومت در برابر فشارهای حکومتی را محدود خواهد کرد.

سرکوب به مثابه راهبرد عامدانه دولتی

آنچه از تحلیل دوره‌ی مورد بررسی این گزارش برمی‌آید، تصویری از راهبردی عامدانه برای سرکوب حق آزادی تجمع و آزادی انجمن فرهنگیان ایران است. دولت بر رویکردی دوشاخه تکیه دارد: جرم‌انگاری از طریق اتهام‌های کلی و کش‌دار امنیت ملی، و تلافی‌جویی اداری از مسیر هیئت‌های انضباطی زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش. هر دو شاخه در وهله نخست متوجه اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و کانون‌های صنفی محلی معلمان است، اما به هر معلمی که با اعتراض‌ها ابراز همبستگی کند یا از تبعیت از دستورات امنیتی سر باز زند نیز تسری می‌یابد. تداوم سرکوب در دولت‌های گوناگون، از احمدی‌نژاد تا پزشکیان، نشان می‌دهد که با سیاستی ساختاری روبه‌رو هستیم نه اقدامی موقتی.

شیوا عاملی‌راد این واقعیت را چنین شرح می‌دهد:

به‌نظر من در طول این دو تا سه دهه‌ی گذشته، تفاوت معناداری میان دولت‌ها در برخورد با انجمن‌ها و فعالیتهای صنفی وجود نداشته است. می‌گویم دو سه دهه چون تقریباً از اوایل دولت خاتمی بود که فعالیتهای صنفی معلمان، کارگران، زنان و دانشجویان دوباره در قالب جدیدی شکل گرفت. تا پیش از آن، تحرک چندانی دیده نمی‌شد. اما وقتی دوباره تشکلهای در این قالب تازه فعال شدند، تفاوتی میان دولت‌ها مشاهده نشد؛ چه دولت خاتمی، چه دولت‌های بعدی، از احمدی‌نژاد گرفته تا روحانی، رئیسی و حالا دولت فعلی پزشکیان، همگی در برخورد با فعالیتهای صنفی و معلمان مسیر سرکوب را در پیش گرفتند.



در همان سال‌های ابتدایی دولت خاتمی، برخی معتقد بودند گشایشی ایجاد شد و تشکله‌ها دوباره جان گرفتند. مثلاً اولین تجمع معلمان که فکر می‌کنم سال ۱۳۸۰ یا ۱۳۸۱ برگزار شد، در زمان دولت خاتمی بود و در تهران مقابل دفتر ریاست‌جمهوری شکل گرفت. اما همین تجمع کاملاً مسالمت‌آمیز هم با خشونت و سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد. بنابراین حتی در دولت خاتمی هم تغییر محسوسی در برخورد امنیتی و قضایی با معلمان دیده نشد. بعدتر، در دولت احمدی‌نژاد، این رویکرد سرکوب‌گرانه به‌صورت آشکار و خشن‌تر ادامه یافت. دولت روحانی اگرچه در ظاهر فضایی بازتر و فریبنده‌تر به نمایش می‌گذاشت، اما در عمل همان مسیر سرکوب را دنبال کرد. در دولت رئیسی هم همه می‌دانیم شدت کنترل و سرکوب به مراتب بیشتر شد. اکنون هم در دولت پزشکیان تغییری دیده نمی‌شود؛ همچنان همه‌ی اعتراضات معلمان با بازداشت، پرونده‌سازی و زندان پاسخ داده می‌شود.»

پیامدها ویرانگر است. معلمان یا به سکوت واداشته می‌شوند یا به تبعید، مانند اسماعیل عیدی که پس از سال‌ها زندان ناچار به خروج از کشور شد. دیگران با آسیب‌های ماندگار به مسیر حرفه‌ای، اعتبار و سلامت روان خود روبه‌رو می‌شوند. برای دانش‌آموزان، نتیجه نظامی آموزشی است که از معلمان باتجربه و متعهد تهی شده، زیر سایه ترس فلج است و توان پرورش اندیشه انتقادی را از دست داده است. جایگزینی مکرر هزاران مدیر و معلم با وفاداران گزینش‌شده‌ی سیاسی نشان می‌دهد حمله دولت به اتحادیه‌ها از تلاش برای دگرگون کردن آموزش به ابزاری ایدئولوژیک جدایی‌ناپذیر است.

پیامدهای گسترده سرکوب معلمان برای حق آموزش در ایران

سرکوب انجمن‌ها و کانون‌های صنفی معلمان پیامد مستقیم برای حق آموزش دانش‌آموزان دارد. حمله‌های شیمیایی به مدارس دخترانه در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ که آموزش بین‌الملل و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان آنها را مستندسازی کرده‌اند، به‌روشنی نشان داد که مدارس در غیاب ناظران مستقل تا چه اندازه آسیب‌پذیرند. امتناع مقام‌ها از تحقیق و نیز تعقیب کسانی که زنگ خطر را به صدا درآوردند، بی‌اعتمادی عمومی را تشدید کرد. معلمان که از شاگردان خود دفاع کردند پاداش نگرفتند، بلکه مجازات شدند. اخراج سارا سیاه‌پور به‌خاطر پذیرش یک جایزه حقوق بشری به نمایندگی از اتحادیه‌اش یا زندانی کردن محمد حبیبی به‌دلیل سخن گفتن علنی نشان می‌دهد که دفاع از حقوق کودکان و حقوق معلمان به هم گره خورده است.

فضایی که از این تهاجم مستمر پدید آمده، سرشار از ترس و خودسانسوری است. معلمان از طرح دغدغه‌های مشروع خودداری می‌کنند، دانش‌آموزان می‌آموزند که اعتراض به مجازات می‌انجامد و خود آموزش به سازوکار کنترل اقتدارگرایانه تبدیل می‌شود. این وضعیت نه فقط نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی آزادی انجمن و تجمع است، بلکه حمله‌ای عمیق به آینده جامعه ایران به‌شمار می‌آید که نسل‌های پیاپی را از معلمان آزاد، امن و توانمند برای آموزش محروم می‌کند.

توم پيها



مستندات و تحلیل‌های این گزارش نشان‌دهنده الگویی پایدار از نقض حقوق معلمان ایران در زمینه آزادی تجمع و انجمن است که پیامدهای مستقیمی برای حق آموزش دارد. رسیدگی به این بحران مستلزم اقدامات فوری و ملموس است.

نوصیه‌ها به دولت جمهور اسلامی ایران

پایان دادن به جرم‌انگاری فعالیت صنفی:

استفاده از اتهام‌های مبهم امنیت ملی مانند «تبلیغ علیه نظام» و «تبانی علیه امنیت» برای جرم‌انگاری کنشگری مسالمت‌آمیز معلمان را متوقف کنید.

آزادی معلمان زندانی:

احکام صادره را لغو، و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه معلمانی را که به دلیل فعالیت صنفی یا همبستگی با همکاران و دیگر گروه‌های اجتماعی بازداشت شده‌اند، تضمین کنید.

بازگرداندن معلمان و مدیران برکنار شده:

بازنشستگی اجباری، کاهش حقوق، تنزل رتبه و انتقال‌های تنبیهی را لغو کنید. جبران خسارت شامل پرداخت معوقات، بازگرداندن مزایا و اعاده‌ی حیثیت عمومی نیز باید انجام شود.

تضمین آزادی انجمن:

به شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، انجمن‌های صنفی معلمان و سازمان‌های صنفی و سیاسی دیگر فرهنگیان، اجازه‌ی استفاده از حق برگزاری مجامع و فعالیت بدون نظارت یا دخالت امنیتی را بدهید.

برچیدن ساختارهای موازی:

بسیج معلمان و سایر نهادهای امنیتی را از مدارس و ادارات آموزش و پرورش خارج کنید و به استفاده از نظارت شبه‌نظامی در آموزش پایان دهید.



تحقیق در مورد سوءاستفاده‌ها و تضمین پاسخگویی: 

تحقیقات مستقل درباره حملات شیمیایی به مدارس دخترانه، برکناری‌های سیاسی و سوءاستفاده‌های قضایی انجام دهید و مسئولان امنیتی و اداری مقصر را پاسخگو کنید.

رفع شکاف‌های ساختاری: 

کمبود ۱۴۰ هزار معلم را با جذب شفاف و قراردادهای دائمی برطرف کنید. زیرساخت‌ها را نوسازی کنید تا مدارس کانکسی و کپری و درختی به‌ویژه در استان‌های محروم حذف شوند. دسترسی به پیش‌دبستانی را گسترش دهید، آموزش فنی و حرفه‌ای را با تجهیزات نو و مسیرهای کارآموزی به‌روزرسانی و محتوای درسی را از کلیشه‌های جنسیتی پاک کنید و فرهنگ اقلیت‌ها را در کتاب‌ها و روند آموزشی بگنجانید.

پایبندی به حقوق فرهنگی و اقلیت‌ها: 

برنامه‌های آزمایشی آموزش به زبان مادری را در مناطق کردنشین، عرب‌نشین، ترک‌نشین، ترکمن‌نشین، بلوچ‌نشین و ... طبق اصل ۱۵ قانون اساسی اجرا کنید.

نوصیه‌ها به سازمان‌ها بین‌المللی و جامعه جهانی

✍ مشارکت سازمان بین‌المللی کار (ILO) و سازمان ملل:

سازمان بین‌المللی کار نظارت خود بر عدم پایبندی ایران به مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را تشدید کند. گزارشگران ویژه سازمان ملل در حوزه آزادی انجمن، آموزش، و وضعیت حقوق بشر در ایران، به صورت مشترک موارد نقض حقوق معلمان را بررسی و گزارش دهند.

✍ اتحادیه آموزش بین‌الملل و اتحادیه‌های جهانی:

به مستندسازی سرکوب ادامه دهند، پرونده‌های معلمان زندانی یا برکنار شده را بازتاب دهند و اقدامات همبستگی جهانی را سازمان دهند.

✍ نهادهای حقوق بشری و مدافعان مدنی:

سرکوب معلمان را در مرکز گزارش‌دهی‌های گسترده‌تر درباره جامعه مدنی ایران قرار دهند و پیوند مستقیم میان حقوق کار و حق آموزش را برجسته کنند.

✍ دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی:

همکاری‌های آموزشی و تبادلات فرهنگی با ایران را مشروط به رعایت حقوق معلمان کنند. به معلمان که به ناچار به تبعید رفته‌اند، پناهندگی، ویزا و بورسیه بدهند تا بتوانند فعالیت حرفه‌ای و صنفی خود را ادامه دهند.

✍ جامعه مدنی جهانی:

بسترهایی برای شنیده شدن صدای معلمان ایرانی ایجاد کند، از کارزارهای آزادی معلمان زندانی حمایت کند و پیوندهایی بین مبارزه‌های معلمان ایران و جنبش‌های جهانی عدالت آموزشی برقرار سازد.



نوصیه‌ها به انجمن‌ها صنفی معلمان در ایران

✍ بازسازی مشارکت‌های مردمی:

بر دستمزدها، مستمری‌ها، امنیت شغلی و شرایط کلاس‌ها متمرکز شوند تا ارتباط با معلمان پایه مجدداً مستحکم، و کاهش مشارکت در اعتراض‌ها معکوس شود.

✍ تقویت دموکراسی داخلی:

انتخابات شفاف، مجامع فراگیر و فرصت‌های رهبری برای معلمان جوان‌تر، زنان، معلمان قراردادی و اقلیت‌های اقلیتی را تضمین کنند.

✍ مستندسازی و اطلاع‌رسانی مؤثر:

موارد برکناری، انتقال، کسر حقوق و آزارها را به‌طور نظام‌مند ثبت و در سطح ملی و بین‌المللی منتشر کنند تا از پیگیری‌ها حمایت شود.

✍ ایجاد ائتلاف‌های گسترده:

با انجمن‌های والدین، گروه‌های دانشجویی و سازمان‌های مدنی همکاری کنند تا حمایت گسترده‌تر به دست آورند و انزوا را کاهش دهند؛ به‌ویژه در استان‌های محروم و مناطق کردنشین.

✍ توازن میان کنشگری و حفاظت:

درحالی‌که مطالبات مبتنی بر حقوق را حفظ می‌کنند، راهبردهایی برای کاهش ریسک مطالبه‌گری اتخاذ کنند؛ برای نمونه، کمک حقوقی، حمایت روانی و ارتباطات امن برای محافظت از اعضا فراهم شود.

✍ ترویج برابری درون جنبش:

شکاف‌های نسلی و راهبردی را برطرف کنند، معلمان قراردادی و سوادآموزی را در خود بیشتر جای دهند، و برابری فرهنگی و جنسیتی را در برنامه‌های اتحادیه‌ها محور قرار دهند.

نتیجہ گیری

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که سرکوب آزادی انجمن و تجمع معلمان در ایران نه یک واکنش موردی، بلکه یک سیاست نظام‌مند و بلندمدت است. دستگاه‌های امنیتی و قضایی، همراه با سازوکارهای اداری وزارت آموزش و پرورش، طی دو سال گذشته به شکلی هماهنگ و پیوسته فعالیت صنفی را جرم‌انگاری کرده و معلمان را به دلیل پیگیری ابتدایی‌ترین حقوق حرفه‌ای و اجتماعی خود – از دستمزد شرافتمندانه تا آموزش رایگان و باکیفیت برای همه کودکان – تحت فشار قرار داده‌اند.

این سرکوب تنها به حذف صداهای مستقل محدود نمانده و به بحرانی ساختاری در نظام آموزشی دامن زده است. کمبود ده‌ها هزار معلم، شلوغی کلاس‌ها، افت کیفیت آموزش و موج مهاجرت یا فرسودگی شغلی فرهنگیان همگی با اخراج‌ها، بازنشستگی‌های اجباری، تبعید داخلی و ارباب مداوم پیوند خورده‌اند. به بیان دیگر، سرکوب صنفی نه فقط حقوق بنیادین معلمان، بلکه آینده آموزشی نسل‌های بعدی را نیز به خطر انداخته است.

ابعاد منطقه‌ای سرکوب نیز نشان می‌دهد که در استان‌هایی چون کردستان، فشار بر معلمان هم‌زمان رنگی فرهنگی و اثنیکی به خود گرفته است. تنبیه معلمان به دلیل دفاع از حق آموزش به زبان مادری یا مخالفت با یک‌دست‌سازی فرهنگی، پیوند سرکوب صنفی و سرکوب ملی/اثنیکی را آشکار می‌سازد و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند.

همچنین، گرچه بازنشستگان فرهنگی با پایداری خود توانسته‌اند با شرکت در «سه‌شنبه‌های اعتراضی» بازنشستگان کشوری بخشی از حرکت خیابانی را زنده نگه دارند، اما کاهش حضور معلمان شاغل و نیروهای قراردادی، نشانه‌ی فرسایش ائتلاف‌های گسترده‌تر و آسیب‌پذیری آینده‌ی کنشگری صنفی است. این روند، همراه با امنیتی‌سازی فزاینده، خطر تبدیل اعتراض‌های صنفی به مقاومت پراکنده و کم‌اثر را افزایش می‌دهد.

اگر حکومت ایران اصلاحات فوری و بنیادین در برخورد با معلمان را آغاز نکند – از جمله بازگرداندن فرهنگیان اخراجی، لغو پرونده‌های امنیتی، پایان دادن به ساختارهای موازی امنیتی در مدارس و به‌رسمیت‌شناختن حق تشکلیابی مستقل – نه تنها کیفیت آموزش و سرمایه اجتماعی نظام آموزشی سقوط بیشتری خواهد کرد، بلکه از خودبیطانگی معلمان و بی‌اعتمادی عمیق‌تر آنان نسبت به دولت، آینده کودکان کشور را با تهدیدی جدی مواجه خواهد ساخت.

ضمیمه

تاریخچه اقدام‌های

قضایی/امنیتی

علیه معلمان

و فعالان صنفی

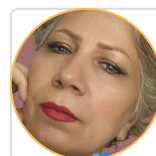
شهریور ۱۴۰۲ – مهر ۱۴۰۴

تاریخچه اقدام‌ها قضایی/امنیتی علیه معلمان و فعالان صنفی (تت‌ه‌ریور ۱۴۰۲ - مهر ۱۴۰۴)

این ضمیمه بر پایه‌ی گزارش‌های تأییدشده از شبکه‌های صنفی معلمان، رسانه‌های مستقل و اسناد دادگاه گردآوری شده است و نشان می‌دهد چگونه دادگاه‌های انقلاب و کیفری، نیروهای امنیتی و نهادهای اطلاعاتی معلمان را به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هدف قرار داده‌اند.

شهریور ۱۴۰۲

✗ **مزگان (فاطمه) تدریسی**، معلم، در کرج بازداشت و در زندان فردیس زندانی شد. در آذر ۱۴۰۲ (دسامبر ۲۰۲۳) به شش سال حبس و دو سال تبعید به زنجان محکوم شد. اتهامات: «تحریک به خشونت»، «تبلیغ علیه نظام» و «اهانت به رهبری». او ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۲۰ مه ۲۰۲۵) پس از پایان مرخصی به زندان بازگشت.



✗ **ابوالفضل خوران**، فعال صنفی معلمان در اراک، در شهریور ۱۴۰۲ (سپتامبر ۲۰۲۳) به شش سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. اتهامات: «توهین به مقدسات» و «اخلال در نظم عمومی» پس از شرکت در مراسم یادبود مهشاد شهیدی (یکی از جان‌باختگان اعتراضات). اجرای حکم از دی ۱۴۰۳ (ژانویه ۲۰۲۵) آغاز شد. همچنین بار دیگر شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری اراک او را به یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق بابت «اخلال در نظم عمومی» به دلیل شعارهای اعتراضی داخل زندان محکوم کرد.



مهر ۱۴۰۲

∅ ۹ مهر ۱۴۰۲ / ۱ اکتبر ۲۰۲۳ - محمد عارف جهانگیری، معلم بازنشسته اهل سقز و ساکن سنندج، به دست نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت شد.



∅ ۲۷ مهر ۱۴۰۲ / ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳ -

- محمود ملکی، فعال صنفی معلمان در بوشهر، به شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری بوشهر احضار شد. اتهامات: «اخلال در نظم عمومی» و «تمرد از دستور مأمور».
- عبدالرضا امانی‌فر، فعال صنفی معلمان در بوشهر، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.
- اصغر حاجب، فعال صنفی معلمان در بوشهر، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.
- محسن عمرانی، فعال صنفی معلمان در بوشهر، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



∅ ۱۳ مهر ۱۴۰۲ / ۵ اکتبر ۲۰۲۳ -

- ایرج رهنما، هنگام مراجعه به استانداری برای پیگیری محل برگزاری مجمع عمومی کانون معلمان فارس، به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد.
- غلامرضا غلامی‌کندازی نیز در همان شرایط بازداشت شد.



∅ ۱۵ مهر ۱۴۰۲ / ۷ اکتبر ۲۰۲۳ - منصوره عرفانیان، فعال صنفی معلمان در خراسان، پس از یورش نیروهای امنیتی به منزلش و ضبط گوشی، رایانه و لپ‌تاپ، بازداشت و به زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شد.



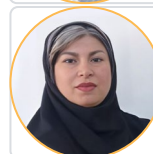
∅ ۱۸ مهر ۱۴۰۲ / ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ - نوروزعلی رشیدنیا، فعال صنفی معلمان در یاسوج، به دادگاه انقلاب احضار شد.



∅ ۲۵ مهر ۱۴۰۲ / ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ - مسعود زبردستی، معلم دبیرستان رجایی‌شهر فنوج، به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.



∅ ۳۰ مهر ۱۴۰۲ / ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳ - کواکب بداغی‌پگاه، فعال صنفی معلمان ایذه، خانه و محل کارش مورد یورش مأموران لباس شخصی قرار گرفت و وسایل شخصی و الکترونیکی‌اش ضبط شد.



آبان ۱۴۰۲

∅ ۸ آبان ۱۴۰۲ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳ - محسن عمرانی، فعال صنفی معلمان در بوشهر، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به دادگاه احضار شد.



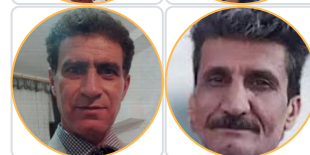
∅ ۲ آبان ۱۴۰۲ / ۲۴ اکتبر ۲۰۲۳ -

• افشین رزمجویی، فعال صنفی معلمان فارس، از سوی شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر فارس به پنج سال حبس، محرومیت از فعالیت اینترنتی و دو سال ممنوع‌الخروجی (همراه با ابطال گذرنامه) محکوم شد.



• ایرج رهنما، فعال صنفی معلمان فارس، به همان حکم محکوم شد.

• اصغر امیرآزادگانی، فعال صنفی معلمان فارس، به همان حکم محکوم شد.

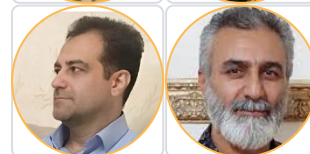


• محمدعلی زحمتکش، فعال صنفی معلمان فارس، به همان حکم محکوم شد.

• مژگان باقری، فعال صنفی معلمان فارس، به دو سال حبس، محرومیت از فعالیت اینترنتی و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم شد.



• زهرا اسفندیاری، فعال صنفی معلمان فارس، به دو سال حبس تعزیری تحت نظارت پابند الکترونیکی در شعاع هزار متری محل سکونت، دو سال ممنوع‌الخروجی و دو سال ممنوعیت فعالیت اینترنتی محکوم شد.



• عبدالرزاق امیری، فعال صنفی معلمان فارس، به همان حکم محکوم شد.

• غلامرضا غلامی‌کندازی، فعال صنفی معلمان فارس، به سه حکم محکوم شد:

✍ الف) «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» - پنج سال حبس، دو سال ممنوع‌الخروجی و دو سال محرومیت از فعالیت اینترنتی.

✍ ب) «عضویت در گروه‌های مخالف نظام» - پنج سال حبس، دو سال تبعید اجباری به بیرجند، دو سال ممنوع‌الخروجی و دو سال محرومیت از فعالیت اینترنتی.

✍ ج) «تبلیغ علیه نظام» - یک سال حبس.

۴ آبان ۱۴۰۲ / ۲۶ اکتبر ۲۰۲۳ - ایرج توبه‌ایها نجف‌آبادی، فعال صنفی معلمان نجف‌آباد، پس از یورش نیروهای امنیتی به محل کار و ضبط تلفن همراهش به زندان نجف‌آباد منتقل شد.



۷ آبان ۱۴۰۲ / ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳ - سیامک چهره‌زی، فعال صنفی معلمان اهواز، به دادگاه انقلاب اهواز احضار شد. اتهام مشخص اعلام نشد.



۷ آبان ۱۴۰۲ / ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳ - مسعود زینال‌زاده، فعال صنفی معلمان تهران، در مراسم خاکسپاری آرنیتا گراوند بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.



۸ آبان ۱۴۰۲ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳ - عاتکه رجبی، فعال صنفی معلمان خراسان، از سوی شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر خراسان به شش ماه حبس (دو ماه اجرا و چهار ماه تعلیقی به مدت پنج سال) محکوم شد. او پیش‌تر از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری آموزش‌وپرورش اخراج شده بود.

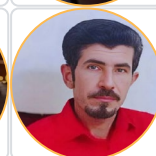


۱۲ آبان ۱۴۰۲ / ۳ نوامبر ۲۰۲۳ -

• **محمود ملکی**، فعال صنفی معلمان بوشهر، به سه ماه حبس و ۳۵ ضربه شلاق محکوم شد. قاضی این حکم را به جریمه ۷ میلیون تومان به جای حبس و ۵ میلیون تومان به جای شلاق تبدیل کرد. ملکی و همکارانش حکم را نپذیرفتند و اعلام کردند حاضرند مجازات را تحمل کنند تا پول «مأموران فاسد» را نپردازند.

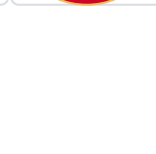
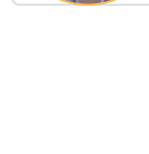


• **اصغر حاجب**، فعال صنفی معلمان بوشهر، به همان حکم محکوم شد و او نیز جریمه نقدی را رد کرد.



• **عبدالرضا امانی‌فر**، فعال صنفی معلمان بوشهر، به همان حکم محکوم شد و او نیز جریمه نقدی را رد کرد.

• **محسن عمرانی**، فعال صنفی معلمان بوشهر، به همان حکم محکوم شد و او نیز جریمه نقدی را رد کرد.



✕ ۱۴ آبان ۱۴۰۲ / ۵ نوامبر ۲۰۲۳ - **احمد علیزاده**، معلم اهل آبدانان، از سوی شعبه ۱ دادگاه انقلاب ایلام به شش سال و یک روز حبس بابت «تشکیل گروه بیش از دو نفر برای برهم زدن امنیت ملی» و هفت ماه و ۱۶ روز بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد. او همچنین به بازنشستگی اجباری، تبعید به فنوج (سیستان و بلوچستان) و محرومیت از فعالیت اینترنتی محکوم گردید. وی پیش‌تر در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بازداشت شده بود.



✕ ۱۶ آبان ۱۴۰۲ / ۷ نوامبر ۲۰۲۳ - **حسین واحدی (داریوش اشکانی)**، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، به شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری بجنورد به اتهام «نشر اکاذیب» احضار شد.



✕ ۱۷ آبان ۱۴۰۲ / ۸ نوامبر ۲۰۲۳ - **محمود صفداری**، دبیر سازمان معلمان ایران (شاخه خراسان شمالی) و عضو کانون معلمان این استان، از سوی دادگاه کیفری و دادگاه انقلاب به اتهام «اخلال در افکار عمومی از طریق نشر اکاذیب» احضار شد. او پیش‌تر به‌دست اطلاعات سپاه در منزلش بازداشت و با قرار وثیقه آزاد شده بود.

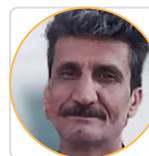


✕ ۲۱ آبان ۱۴۰۲ / ۱۲ نوامبر ۲۰۲۳ - **اصغر امیرزادگان**، فعال صنفی معلمان فارس، برای اجرای حکم پنج سال حبس به زندان فیروزآباد منتقل شد. او همزمان مشغول گذراندن حکم یک سال حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» بود.



✕ ۲۹ آبان ۱۴۰۲ / ۲۰ نوامبر ۲۰۲۳ -

• **محمدعلی زحمتکش**، فعال صنفی معلمان شیراز، در منزل بازداشت و برای اجرای حکم پنج سال حبس به زندان منتقل شد.



• **افشین رزمجویی**، فعال صنفی معلمان شیراز، نیز در منزل بازداشت و برای اجرای حکم پنج سال حبس به زندان منتقل شد.



• **مژگان باقری**، فعال صنفی معلمان شیراز، در منزل بازداشت و برای اجرای حکم دو سال حبس به زندان منتقل شد.

✕ ۲۹ آبان ۱۴۰۲ / ۲۰ نوامبر ۲۰۲۳ - **لقمان افضلی**، عضو کانون معلمان کردستان در سنندج، از سوی دیوان عدالت اداری به دو سال تبعید به اردبیل محکوم شد. او هم‌اکنون در اردبیل در حال گذراندن تبعید است. پیش‌تر نیز از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به دو سال تبعید به اردبیل محکوم شده بود.

آذر ۱۴۰۲

۴ آذر ۱۴۰۲ / ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ - عاتکه رجبی، معلم اهل مشهد، برای اجرای حکم دو ماه حبس به زندان منتقل شد.



۵ آذر ۱۴۰۲ / ۲۶ نوامبر ۲۰۲۳ - حسین واحدی، بازرس کانون معلمان خراسان شمالی، از سوی دادگاه کیفری خراسان شمالی به یک سال حبس بابت «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» محکوم شد. حکم به مدت سه سال تعلیق شد.



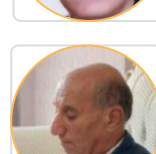
۸ آذر ۱۴۰۲ / ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ - حسین واحدی، بازرس کانون معلمان خراسان شمالی، به شعبه ۱ دادگاه انقلاب بجنورد بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» احضار شد.



۱۵ آذر ۱۴۰۲ / ۶ دسامبر ۲۰۲۳ - علی احمدی، فعال صنفی معلمان اهل ممسنی، پس از یک تجمع اعتراضی در منزل بازداشت و به زندان شیراسپاری نورآباد منتقل شد.



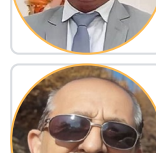
۱۸ آذر ۱۴۰۲ / ۹ دسامبر ۲۰۲۳ - جان محمد احمدی، فعال صنفی معلمان اهل ممسنی (فارس)، به دلیل شرکت در تجمع بازنشستگان از سوی پلیس امنیت بازداشت شد.



۲۱ آذر ۱۴۰۲ / ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ - روح‌الله گره‌گشا، فعال صنفی معلمان اهل ممسنی (فارس)، در منزل بازداشت و به زندان شیراسپاری نورآباد ممسنی منتقل شد. اتهام: شرکت در تجمع بازنشستگان.



۲۴ آذر ۱۴۰۲ / ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳ - حسین واحدی (داریوش اشکانی)، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، از سوی دادگاه انقلاب بجنورد به یک سال حبس محکوم شد.



۲۷ آذر ۱۴۰۲ / ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳ - عبدالرزاق امیری، معلم اهل شیراز، از سوی دادگاه انقلاب شیراز به «حبس خانگی تحت نظارت پایند الکترونیکی» محکوم شد.



دی ۱۴۰۲

۳ دی ۱۴۰۲ / ۲۴ دسامبر ۲۰۲۳ - **مژگان باقری**، فعال صنفی معلمان فارس، که در حال گذراندن دو سال حبس در زندان عادل آباد بود، به حبس خانگی تحت نظارت پابند الکترونیکی منتقل شد.



۱۲ دی ۱۴۰۲ / ۲ ژانویه ۲۰۲۴ - **مهدی فتحی**، فعال صنفی معلمان اهل شیراز که پیش‌تر به هشت سال زندان محکوم شده بود، پس از گذراندن دو سال از حبس آزاد شد. حکم او به «حبس خانگی با پابند الکترونیکی» تبدیل گردید.



۲۸ دی ۱۴۰۲ / ۱۸ ژانویه ۲۰۲۴ - **طاها اصغریور**، معلم اهل استان البرز، از سوی دادگاه تجدیدنظر البرز به چهار ماه حبس محکوم شد.



بهمن ۱۴۰۲

۱ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴ - **محمود بهشتی لنگرودی**، فعال صنفی معلمان تهران، در شعبه ۴ دادرسی لنگرود حاضر شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب». پس از تفهیم اتهام، با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شد.



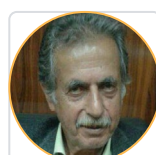
۸ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ - **امیر نصیحی فر**، معلم بازنشسته تهرانی، به اطلاعات احضار شد. پیش از آن منزل او و منزل پدرش به دست نیروهای امنیتی تفتیش شده بود.



۱۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ - **محمد سعیدی ابواسحاقی**، معلم اهل چهارمحال و بختیاری، از سوی شعبه ۱ دادگاه عمومی لردگان به سه ماه حبس محکوم شد که حکم به جزای نقدی تبدیل گردید.



۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - **انوش عادلی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به شعبه ۳ دادگاه انقلاب رشت احضار شد. اتهامات: «اخلال در نظم عمومی از طریق مشارکت و سازماندهی تجمعات صنفی» و «تمرد از دستور مأمور». او هم‌اکنون دوران محکومیت یک ساله خود را در زندان لاکان می‌گذراند.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - عزیز قاسم‌زاده، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با اتهامات مشابه احضار شد. وی نیز در حال گذراندن یک سال حبس در زندان لاکان است.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - محمود صدیقی‌پور، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد. او نیز دوران یک سال حبس در زندان لاکان را می‌گذراند.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - تیمور باقری کودکانی، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - طهماسب سهرابی، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - غلامرضا اکبرزاده باغبان، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - علی نهالی، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



Ø ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ / ۹ فوریه ۲۰۲۴ - جهانبخش لاجوردی، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان دادگاه و با همان اتهامات احضار شد.



اسفند ۱۴۰۲

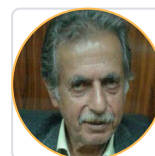


۱۳ اسفند ۱۴۰۲ / ۳ مارس ۲۰۲۴ - **سلیمان عبدی**، فعال صنفی معلمان سقز (کردستان)، برای اجرای حکم به زندان مرکزی سقز منتقل شد. شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری سقز او را به هشت ماه حبس و ۷۰ ضربه شلاق محکوم کرده بود. اتهام: «اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی در آرامستان آیچی».



۱۶ اسفند ۱۴۰۲ / ۶ مارس ۲۰۲۴ -

• **انوش عادل**، فعال صنفی معلمان گیلان، از سوی شعبه ۳ دادگاه انقلاب رشت به دو سال و یک روز حبس بابت «اخلال در نظم عمومی از طریق تجمعات صنفی و تمرد» محکوم شد. همچنین به دو سال محرومیت از عضویت در گروه‌های سیاسی یا اجتماعی پس از آزادی محکوم گردید.



• **محمود صدیقی‌پور**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **عزیز قاسم‌زاده**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **علی نهالی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **تیمور باقری کودکانی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

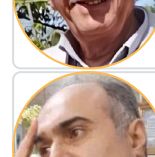
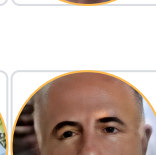
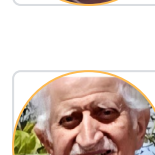
• **جواد سعیدی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **طهماسب سهرابی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **جهانبخش لاجوردی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **غلامرضا اکبرزاده**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.

• **یدالله بهارستانی**، فعال صنفی معلمان گیلان، به همان حکم محکوم شد.



Ø ۱۹ اسفند ۱۴۰۲ / ۹ مارس ۲۰۲۴ - اصغر امیرزادگان، فعال صنفی معلمان فارس، از سوی دادگاه انقلاب فیروزآباد به پرداخت سه میلیون تومان جریمه نقدی به جای حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد. در یک پرونده غیابی دیگر به یک سال حبس محکوم گردید.



Ø ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۰ مارس ۲۰۲۴ - نوروز رشیدی، معلم اهل یاسوج، به دادگاه انقلاب احضار شد. اتهامات: «اهانت به رهبری» و «همکاری با دولت‌های متخاصم». او پیش‌تر هنگام بازداشت به دست مأموران اطلاعات دچار شکستگی و آسیب نخاع شده بود.



Ø ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۸ مارس ۲۰۲۴ - محمود صفدری، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، از سوی شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر به پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی بابت «اخلال در افکار عمومی از طریق نشر اکاذیب» و «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



Ø ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۹ مارس ۲۰۲۴ - ، معلم اهل شهریار، به دادگاه انقلاب ملایر احضار شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام»، «اهانت به رهبری»، «اهانت به اسلام» و چند اتهام دیگر. او پیش‌تر از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به بازنشستگی اجباری محکوم شده بود.



فروردین ۱۴۰۳

۹ فروردین ۱۴۰۳ / ۲۸ مارس ۲۰۲۴ - کریم بستانچی، فعال صنفی معلمان آذربایجان غربی، از سوی دادگاه انقلاب ارومیه به سه ماه حبس بابت «تبلیغ علیه نظام به نفع گروه‌های مخالف» محکوم شد. همچنین شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری ارومیه او را به پرداخت ۱۵ میلیون تومان جریمه، مصادره تلفن همراه و محکومیت بابت «نشر اکاذیب در فضای مجازی به قصد تشویش اذهان عمومی» محکوم کرد.



خرداد ۱۴۰۳

۲۰ خرداد ۱۴۰۳ / ۹ ژوئن ۲۰۲۴ - مصطفی رباطی، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، در پایان تجمع بازنشستگان به دست نیروهای یگان ویژه ضرب و شتم و بازداشت شد.



تیر ۱۴۰۳

۲۹ تیر ۱۴۰۳ / ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ -

• مجید کریمی، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، از سوی دادگاه انقلاب سنندج به سه ماه حبس بابت «شرکت در اعتراضات، سخنرانی و حمایت از معلمان زندانی» محکوم شد. به دلیل نداشتن سابقه کیفری، حکم به جریمه ۸ میلیون تومان تبدیل گردید.



• مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان اسلامشهر، به همان حکم سه ماه حبس محکوم شد که آن هم به جریمه ۸ میلیون تومان تبدیل گردید.



۳۰ تیر ۱۴۰۳ / ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۴ - محمد صادقی، فعال صنفی معلمان اراک، برای اجرای حکم یک سال حبس بابت «اجتماع و تبانی علیه نظام» که از سوی شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی صادر شده بود، به زندان اراک منتقل شد.

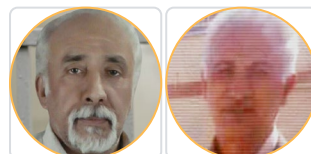


۳۱ تیر ۱۴۰۳ / ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۴ - اصغر امیرزادگان، فعال صنفی معلمان فارس، که پیش‌تر از سوی دادگاه تجدیدنظر به دو سال حبس محکوم شده بود، اجرای حکم خود را در زندان فیروزآباد آغاز کرد.



∅ ۱۶ تیر ۱۴۰۳ / ۷ ژوئیه ۲۰۲۴ -

• **ایرج توبه‌ایها نجف‌آبادی**، فعال صنفی معلمان نجف‌آباد (اصفهان)، از سوی شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر اصفهان به هفت سال حبس محکوم شد (دو سال قابل اجرا و دو سال تبعید). اتهامات: «تبلیغ علیه نظام»، «اهانت به رهبری» و «اهانت به مقدسات دینی».



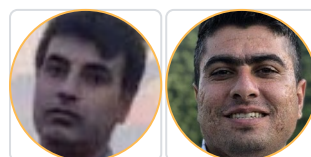
• **حسین اشرفی**، فعال صنفی معلمان نجف‌آباد، به چهار سال حبس تعلیقی با اتهامات مشابه محکوم شد.

∅ ۱۷ تیر ۱۴۰۳ / ۸ ژوئیه ۲۰۲۴ - **محسن عمرانی**، فعال صنفی معلمان بوشهر، از سوی دادگاه انقلاب بوشهر به یک سال حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



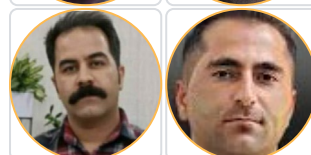
∅ ۲۱ تیر ۱۴۰۳ / ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴ -

• **تحسین مصطفی**، فعال صنفی معلمان مریوان (کردستان)، از سوی دادگاه انقلاب مریوان به چهار ماه حبس تعلیقی به مدت دو سال بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



• **سیوان سلیمانی**، فعال صنفی معلمان مریوان، به همان حکم محکوم شد.

• **آرام قادری**، فعال صنفی معلمان مریوان، به همان حکم محکوم شد.



• **آرام محمدی**، فعال صنفی معلمان مریوان، به همان حکم محکوم شد.

∅ ۲۴ تیر ۱۴۰۳ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۴ - **امجد بختیاری**، معلم اهل دهگلان (کردستان)، از سوی قوه قضاییه به یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. او پیش‌تر در جریان جنبش «ژن، ژیان، نژادی» بازداشت شده بود.



∅ ۳۱ تیر ۱۴۰۳ / ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴ - **محمد حبیبی**، فعال صنفی معلمان تهران، از سوی شعبه ۲ دادگاه انقلاب شهریار به شش ماه و یک روز حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



∅ ۳ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴ - **مریم دریسی**، معلم و فعال آنلاین اهل کازرون، برای اجرای حکم یک سال حبس به زندان کازرون احضار شد. اتهامات: «اهانت به رهبری»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «برداشتن حجاب». او پیش‌تر چندین محکومیت دیگر هم دریافت کرده بود: یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق بابت «اخلال در نظم عمومی و کشف حجاب»، و سپس سه سال حبس در پرونده‌ای دیگر.



مرداد ۱۴۰۳



۱ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴ - **طاہر اصغریور**، معلم استان البرز، که از سوی دادگاه تجدیدنظر البرز به چهار ماه حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» (کاهش یافته از شش ماه و دو سال محرومیت از حقوق اجتماعی) محکوم شده بود، برای اجرای حکم وارد زندان کرج شد.



۱ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴ - **غلامرضا غلامی کندازی**، فعال صنفی معلمان فارس، که از سوی دادگاه تجدیدنظر به دو سال حبس محکوم شده بود، از زندان عادل آباد شیراز آزاد شد و به «حبس خانگی با پابند الکترونیکی» منتقل گردید.



۸ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۴ - **خالد احمدی**، فعال صنفی و زیست محیطی کردستان، در منزل بدون حکم قضایی به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد. او در همان روز مسئول برگزاری انتخابات مجازی هیئت مدیره کانون معلمان کردستان بود.



۹ مرداد ۱۴۰۳ / ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴ - **امیر اسماعیلی**، معلم اهل لرستان، پس از شکایت دانشگاه فرهنگیان مبنی بر «انتقاد از مسئولان دانشگاه و وزارت آموزش و پرورش»، به دادگاه احضار و به زندان خرم آباد منتقل شد.



۱۱ مرداد ۱۴۰۳ / ۱ اوت ۲۰۲۴ - **محمد عابدینی**، فعال صنفی معلمان خراسان رضوی، از سوی دادگاه تجدیدنظر خراسان رضوی به شش ماه حبس تعلیقی (به مدت پنج سال) بابت «نشر اکاذیب در فضای مجازی با هدف تشویش اذهان عمومی» محکوم شد.



∅ ۱۲ مرداد ۱۴۰۳ / ۲ اوت ۲۰۲۴ -

• **رضا امانی‌فر**، فعال صنفی معلمان بوشهر، در جریان تجمع معلمان در بوشهر به‌دست نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.



• **مهدی فراخی شاندیز**، فعال صنفی معلمان تهران، در تجمع معلمان تهران به‌دست نیروهای امنیتی ضرب‌وشتم و بازداشت شد.



• **داوود بایسته**، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع به‌دست نیروهای امنیتی ضرب‌وشتم و بازداشت شد.

• **وحید موسوی دهسری**، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع به‌دست نیروهای امنیتی ضرب‌وشتم و بازداشت شد.



• **مهدی قادری**، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع به‌دست نیروهای امنیتی ضرب‌وشتم و بازداشت شد.

∅ ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۰ اوت ۲۰۲۴ - **مختار اسدی**، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، به‌دست پلیس فتا بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. دادگاه انقلاب سنندج اعلام کرد بازداشت به درخواست دادرای شعبه ۳۳ اوین صورت گرفته است.



شهریور ۱۴۰۳

∅ ۱۴ شهریور ۱۴۰۳ / ۴ سپتامبر ۲۰۲۴ - **محسن عمرانی**، فعال صنفی معلمان بوشهر، از سوی شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر بوشهر به شش ماه حبس محکوم شد.



∅ ۱۵ شهریور ۱۴۰۳ / ۵ سپتامبر ۲۰۲۴ - **لطف‌الله پرویز**، فعال فرهنگی و زیست‌محیطی اهل گیلان غرب، پس از یورش اطلاعات سپاه به منزلش بازداشت شد. تمامی وسایل الکترونیکی او و همسرش ضبط گردید.



مهر ۱۴۰۳

∅ ۲۱ مهر ۱۴۰۳ / ۱۲ اکتبر ۲۰۲۴ - **محمد حبیبی**، فعال صنفی معلمان تهران، در دادگاه تجدیدنظر به شش ماه و یک روز حبس محکوم شد.



آبان ۱۴۰۳

۱۶ آبان ۱۴۰۳ / ۶ نوامبر ۲۰۲۴ - حمیدالله سلگی، فعال صنفی معلمان نهاوند (استان همدان)، برای اجرای حکم دو سال و هفت ماه حبس بابت «اهانت به رهبری» و «تبلیغ علیه نظام» احضار شد.



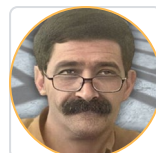
۱۹ آبان ۱۴۰۳ / ۱۰ نوامبر ۲۰۲۴ - محسن عمرانی، فعال صنفی معلمان بوشهر، برای اجرای حکم شش ماه حبس به زندان بوشهر منتقل شد.



۲۰ آبان ۱۴۰۳ / ۱۱ نوامبر ۲۰۲۴ - محمد حبیبی، فعال صنفی معلمان تهران، برای اجرای حکم شش ماه و یک روز حبس به زندان اوین منتقل شد.

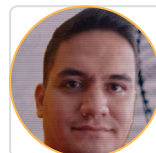


۲۲ آبان ۱۴۰۳ / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴ - محمد حسن پوره، فعال صنفی معلمان تهران، در منزل به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.



آذر ۱۴۰۳

۸ آذر ۱۴۰۳ / ۲۸ نوامبر ۲۰۲۴ - مصطفی محمدحسن، معلم و فعال دانشجویی سابق، اجرای حکم ۳۷ ماه حبس بابت «اهانت به مقدسات اسلامی» و «تبلیغ علیه نظام» را آغاز کرد.



۱۳ آذر ۱۴۰۳ / ۴ دسامبر ۲۰۲۴ - اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان تهران، با شکایت سپاه پاسداران ممنوع الخروج شد.



۱۵ آذر ۱۴۰۳ / ۶ دسامبر ۲۰۲۴ - حمید عزیزی، معلم اهل کامیاران (کردستان)، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.



۲۴ آذر ۱۴۰۳ / ۱۴ دسامبر ۲۰۲۴ - محمد حسن پوره، فعال صنفی معلمان تهران، از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به سه سال و هفت ماه حبس بابت «اجتماع و تبانی» (یکسوم اجرا و مابقی تعلیقی) و هشت ماه حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



۳۰ آذر ۱۴۰۳ / ۲۱ دسامبر ۲۰۲۴ - رویا بلوری، معلم شیمی اهل تهران، محکومیت حبس خانگی اش با پابند الکترونیکی برای سومین ماه تمدید شد. او در کرج در حبس خانگی به سر می برد. اتهام: «تبلیغ علیه نظام».

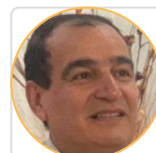


دی ۱۴۰۳

۶ دی ۱۴۰۳ / ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ - احمد درخشان، معلم اهل کرج، از سوی شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج به یک سال حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» و مجازات‌های تکمیلی شامل دو سال محرومیت از تدریس، ممنوعیت عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها، ممنوع‌الخروجی و اخراج از خدمات دولتی محکوم شد.



۲۲ دی ۱۴۰۳ / ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵ - مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان کرج، از سوی شعبه ۲ دادگاه انقلاب کرج به شش سال حبس محکوم شد: یک سال بابت «تبلیغ علیه نظام» و پنج سال بابت «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی». همچنین به دو سال ممنوع‌الخروجی، ممنوعیت فعالیت در گروه‌ها و محدودیت رفت‌وآمد در استان‌های البرز، تهران، قزوین، لرستان و کردستان محکوم گردید.



۳۰ دی ۱۴۰۳ / ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ - غیاث نعمتی، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، از سوی پلیس امنیت احضار و تهدید شد که از «سازماندهی اعتراضات» و «همکاری با گروه‌های مخالف» خودداری کند.



بهمن ۱۴۰۳

۱۳ بهمن ۱۴۰۳ / ۲ فوریه ۲۰۲۵ - هادی جلالی، معلم اهل کرمان، از سوی شعبه ۵ دادسرای عمومی و انقلاب کرمان احضار شد. اتهامات: «تشکیل گروه به قصد برهم‌زدن امنیت ملی از طریق تبادل اطلاعات با افراد مرتبط با اسرائیل» و «فعالیت رسانه‌ای».



۱۶ بهمن ۱۴۰۳ / ۵ فوریه ۲۰۲۵ - حسین واحدی، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، از سوی دادگاه تجدیدنظر خراسان شمالی به یک سال حبس محکوم شد.

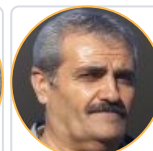


۲۶ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۵ فوریه ۲۰۲۵ - اصغر امیرزادگان، فعال صنفی معلمان فارس، از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو فیروزآباد به مجموع چهار سال حبس در دو پرونده محکوم شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام»، «اهانت به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی» و «اهانت به رهبری».



۳۰ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۹ فوریه ۲۰۲۵ -

- **مختار اسدی**، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، به شعبه ۲ دادسرای عمومی و انقلاب سنندج (بازرسی) احضار شد. اتهامات: «اخلال در نظم و آسایش عمومی».
- **کمال فکوربان**، فعال صنفی معلمان سنندج، به همان شعبه و با همان اتهامات احضار شد.
- **فاطمه زندکریمی**، فعال صنفی معلمان سنندج، به همان شعبه و با همان اتهامات احضار شد.



اسفند ۱۴۰۳



- ۵ اسفند ۱۴۰۳ / ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ - **کبری طاهرخانی**، معلم اهل قزوین، به دادگاه انقلاب قزوین احضار شد. اتهامات: «اهانت به رهبری» و «تبلیغ علیه نظام». او پیش‌تر به شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری قزوین برای رسیدگی به اتهام «نشر اکاذیب» احضار شده بود. همچنین مأموران اطلاعات سپاه قزوین منزل او را بازرسی و لپ‌تاپ و تلفن همراهش را ضبط کرده بودند.



- ۵ اسفند ۱۴۰۳ / ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ - **معصومه عسگری**، معلم تهرانی، از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به سه سال حبس بابت «همکاری با گروه‌های مخالف نظام» و «عضویت در گروه‌های معاند» محکوم شد.



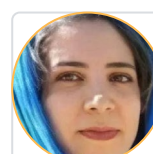
- ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ / ۵ مارس ۲۰۲۵ - **آرزو جلیل‌زاده**، معلم اهل سردشت، بدون حکم قضایی به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاهی در ارومیه منتقل شد.



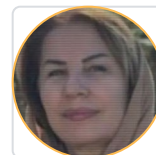
- ۱۷ اسفند ۱۴۰۳ / ۷ مارس ۲۰۲۵ - **عبدالله رضایی**، فعال صنفی معلمان هرسین (کرمانشاه)، به دادسرا احضار شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام» و «سازماندهی تجمعات غیرقانونی».



- ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۱ مارس ۲۰۲۵ - **نسرین کریمی**، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، به هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری آموزش و پرورش احضار شد. اتهامات مشابه. پیش‌تر هیئت بدوی او را به «بازنشستگی اجباری با دو درجه تنزل رتبه» محکوم کرده بود.



۲۵ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۵ مارس ۲۰۲۵ - **توران سلیمانی**، فعال صنفی معلمان خوزستان، به دادسرای عمومی و انقلاب شوش احضار شد. این احضار تحت فشار اطلاعات سپاه خوزستان صورت گرفت. پس از تفهیم اتهام، او با قرار وثیقه به‌طور موقت آزاد شد.



فروردین ۱۴۰۴

۳ فروردین ۱۴۰۴ / ۲۳ مارس ۲۰۲۵ - **کبری طاهرخانی**، فعال صنفی معلمان قزوین، از سوی شعبه ۲ دادگاه انقلاب قزوین به سه سال حبس محکوم شد: دو سال بابت «اهانت به رهبری» و یک سال بابت «تبلیغ علیه نظام». همچنین به ممنوع‌الخروجی محکوم گردید.

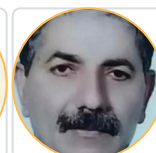


۲۳ فروردین ۱۴۰۴ / ۱۲ آوریل ۲۰۲۵ - **اصغر امیرآزادگان**، فعال صنفی معلمان فارس، در بیرون از منزل به‌دست نیروهای امنیتی بازداشت شد. نهاد بازداشت‌کننده و دلایل بازداشت اعلام نشد.

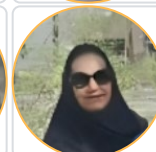


۲۶ فروردین ۱۴۰۴ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۵ - گروهی از معلمان کرمان از سوی شعبه ۵ دادسرای عمومی و انقلاب کرمان احضار شدند:

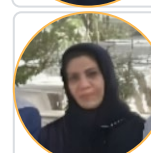
- **مجید نادری** - اتهامات: «اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت، رهبری و تشکیل گروه‌های مخالف»، «اهانت به مسئولان» و «تبلیغ علیه نظام».



- **محمد رضا بهزادپور** - همان اتهامات.



- **شهناز رضایی** - همان اتهامات.



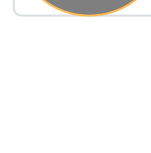
- **زهرا عزیزی** - همان اتهامات.



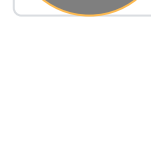
- **میترا نیکپور** - همان اتهامات.



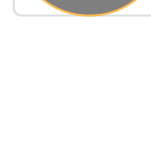
- **حسین رشیدی** - همان اتهامات.



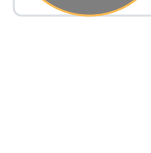
- **محمد مستعلی‌زاده** - همان اتهامات.



- **فاطمه یزدانی** - همان اتهامات.



- **لیلا افشار** - همان اتهامات.



اردیبهشت ۱۴۰۴

۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ - منصوره عرفانیان، فعال صنفی معلمان مشهد، از سوی شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به سه ماه حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.



۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ - حسین رمضان‌پور، فعال صنفی معلمان بجنورد (خراسان شمالی)، از سوی شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی و انقلاب بجنورد به دو سال حبس بابت «نشر اکاذیب» محکوم گردید.



۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۲۶ آوریل ۲۰۲۵ - سارا سیاه‌پور، فعال صنفی معلمان، از سوی دادسرای مسجده سلیمان بابت «تبلیغ علیه نظام» احضار شد.

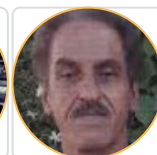


۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ - محمود صدیقی‌پور، فعال صنفی معلمان گیلان، به دست پلیس امنیت احضار و بازداشت شد. دلیل بازداشت: جلوگیری از حضور او در تجمع روز معلم. او پذیرفت که تعهد بدهد در تجمع حاضر نشود.



۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۱ مه ۲۰۲۵ -

- رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان همدان، در مقابل مدرسه‌اش به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد.
- ولی میرزا سعیدی، فعال صنفی معلمان تهران، در جریان تجمع معلمان بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.
- احمد حیدری نصرت، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع بازداشت و به اوین منتقل شد.
- حسین عبادیان، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع بازداشت و به اوین منتقل شد.
- مهدی فراخی شاندیز، فعال صنفی معلمان تهران، در همان تجمع ضرب و شتم، بازداشت و به اوین منتقل شد.



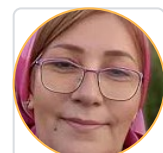
خرداد ۱۴۰۴

✕ ۱۱ خرداد ۱۴۰۴ / ۱ ژوئن ۲۰۲۵ - پانزده فعال صنفی معلمان کردستان به شعبه ۱۰۹ دادگاه کیفری دو سنندج احضار شدند. اتهام: «اخلال در نظم و آسایش عمومی». اسامی:



- محمد رضا مرادی
- صلاح الدین حاجی میرزایی
- بهزاد قوامی
- سید غیاث نعمتی
- رضا طهماسبی
- شهریار نادری
- آرام ابراهیمی
- صادق کنعانی
- مجید کریمی
- مختار اسدی
- فاطمه زندکریمی
- نسرین کریمی
- فیصل نوری
- رزگار حیدری
- کوروش عزتی امینی

✕ ۲۲ خرداد ۱۴۰۴ / ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ - زینا فریدونیان، معلم اهل قروه (کردستان)، از سوی دادگاه انقلاب قروه به مجموع ۱۳ ماه حبس و سه سال حبس تعلیقی بابت «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.

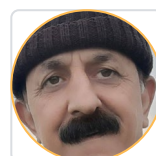


✕ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ / ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ - معصومه شهنواز، معلم اهل سبزوار، پس از یورش نیروهای امنیتی به منزلش و ضرب و شتم، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. منزل او به طور کامل تفتیش و اموالش تخریب شد.



تیر ۱۴۰۴

۸ تیر ۱۴۰۴ / ۲۹ ژوئن ۲۰۲۵ - حسین واحدی، فعال صنفی معلمان خراسان شمالی، برای اجرای حکم یک سال حبس بابت «تبلیغ علیه نظام» وارد زندان مرکزی بجنورد شد.



۹ تیر ۱۴۰۴ / ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵ - بختیار رضوانی، فعال صنفی معلمان کهگیلویه و بویراحمد، به دادگاه انقلاب گچساران بابت «تبلیغ علیه نظام» احضار شد.



۲۰ تیر ۱۴۰۴ / ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵ - علیرضا مرداسی، معلم اهل اهواز که در مرداد ۱۴۰۲ بازداشت شده بود، از سوی دادگاه انقلاب اهواز به دو بار اعدام و یک سال حبس محکوم شد. اتهامات: «افساد فی الارض»، «عضویت در گروه‌های معاند» و «تبلیغ علیه نظام». او بیش از ۲۵ سال سابقه تدریس در دبستان‌های اهواز را دارد.



مرداد ۱۴۰۴

۷ مرداد ۱۴۰۴ / ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۵ - فروغ خسروی، معلم اهل بهبهان، پس از یورش نیروهای اطلاعات سپاه به منزلش بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.



۱۲ مرداد ۱۴۰۴ / ۳ اوت ۲۰۲۵ - سهیلا خالیدیان، معلم اهل سمنندج، در منزل به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد.

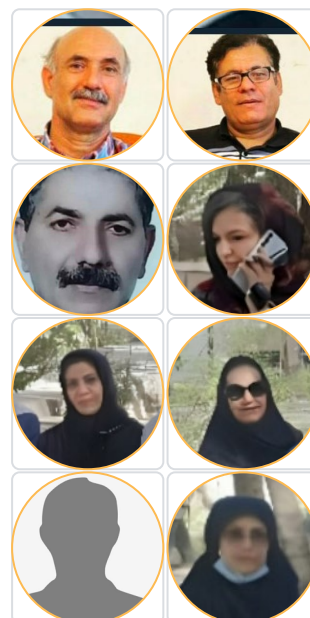


۱۲ مرداد ۱۴۰۴ / ۳ اوت ۲۰۲۵ - عبدالله مومنی، معلم و زندانی سیاسی سابق اهل تهران، به دادگاه انقلاب احضار شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب». پس از بازجویی با قرار وثیقه آزاد شد.



Ø ۱۳ مرداد ۱۴۰۴ / ۴ اوت ۲۰۲۵ - معلمان کرمان از سوی شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرمان محکوم شدند:

- مجید نادری - یک سال حبس بابت «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در گروه‌های معاند».
- حسین رشیدی زرنندی - همان حکم و اتهامات.
- محمدرضا بهزادپور - همان حکم و اتهامات.
- فاطمه یزدانی - شش ماه حبس بابت همان اتهامات.
- میترا نیکپور - شش ماه حبس بابت همان اتهامات.
- زهرا عزیزی - شش ماه حبس بابت همان اتهامات.
- لیلا افشار - شش ماه حبس بابت همان اتهامات.
- شهناز رضایی شریفی آبادی - شش ماه حبس بابت همان اتهامات.



Ø ۲۱ مرداد ۱۴۰۴ / ۱۲ اوت ۲۰۲۵ - مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان، از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر البرز بابت «اجتماع و تبانی» به سه سال و شش ماه و یک روز و بابت «تبلیغ علیه نظام» به هفت ماه و ۱۶ روز حبس محکوم شد.



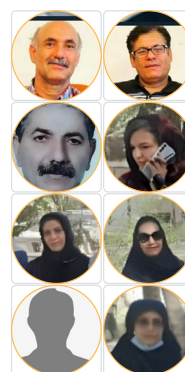
شهریور ۱۴۰۴

۲۵ شهریور ۱۴۰۴ / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ - نیروهای امنیتی جلسه نخست «مجمع فوق العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» را در شهرضا (اصفهان) در ساعت ۹ صبح مورد یورش قرار دادند. تمام ۱۸ معلم حاضر بازداشت شدند و تا ساعت ۵ عصر در بازداشت ماندند. تمام وسایل الکترونیکی آنان ضبط شد؛ بخشی بعداً بازگردانده شد اما برخی همچنان توقیف مانده است. اسامی بازداشت شدگان: عبدالله رضایی، محمد حبیبی، آرام محمدی، حمید رحمتی، منوچهر آقاییگی، رسول بدایی، محمود صدیقی پور، علی صفری، خان عزیز اسماعیلی، اصغر حاجب، محمدحسن مصدقیان، اسماعیل فرهنگ منش، شکرالله احمدی، ایرج رهنما، عبدالرضا امانی فر، فرامرز خدشناس، مسعود فرهیخته و علی فلاح به جز مسعود فرهیخته، همه آزاد شدند. او به دلیل محکومیت قبلی (حکم پنج سال حبس صادره در مرداد ۱۴۰۴ از سوی دادگاه تجدیدنظر البرز) همچنان در بازداشت باقی ماند.



۲۵ شهریور ۱۴۰۴ / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ - شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان کرمان به ریاست محمدرضا اکبری زاده، احکام قطعی و لازم الاجرا علیه معلمان کرمانی صادر کرد:

- مجید نادری، حسین رشیدی زرنندی و محمدرضا بهزادپور - هر یک به شش ماه حبس بابت «تشکیل و عضویت در گروه‌هایی با هدف برهم زدن امنیت کشور».
- میترا نیکپور، زهرا عزیزی، لیلا افشار، شهناز رضایی شریفی آبادی و فاطمه یزدانی - تبدیل حکم حبس به جزای نقدی؛ هر یک ملزم به پرداخت ۷۰۰ میلیون ریال جریمه.



موارد کاهش مجازات‌ها در این دوره

∅ ۸ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ - دادگاه تجدیدنظر فارس احکام زیر را کاهش داد:

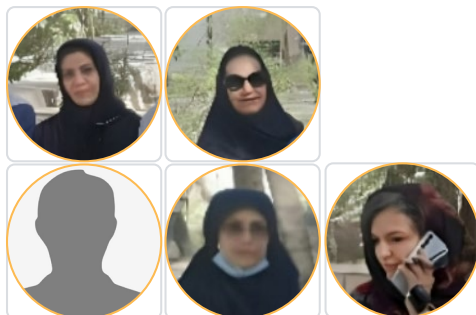
- افشین رزمجویی، فعال صنفی معلمان فارس: کاهش حکم از پنج سال به دو سال حبس.
- ایرج رهنما، فعال صنفی معلمان فارس: کاهش حکم از پنج سال به دو سال حبس.
- غلامرضا غلامی‌کندازی، فعال صنفی معلمان فارس: کاهش حکم از پنج سال به دو سال حبس.
- محمدعلی زحمتکش، فعال صنفی معلمان فارس: کاهش حکم از پنج سال به دو سال حبس.
- اصغر امیرزادگان، فعال صنفی معلمان فارس: کاهش حکم از پنج سال به دو سال حبس.



∅ ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۰ مارس ۲۰۲۴ - غلامرضا غلامی‌کندازی، فعال صنفی معلمان فارس که پیش‌تر به پنج سال حبس محکوم شده بود، از سوی دادگاه تجدیدنظر حکم او به دو سال کاهش یافت.



∅ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ - میترا نیکپور، زهرا عزیزی، لیلا افشار، شهناز رضایی شریفی‌آبادی و فاطمه یزدانی، فعالان صنفی معلمان کرمان، احکام حبس‌شان به جزای نقدی تبدیل شد. هر یک موظف به پرداخت ۷۰۰ میلیون ریال جریمه شدند.



جدول ۲: اقدام‌های قضایی. امنیتی علیه معلمان به تفکیک استان
(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)

این جدول و دیگر جدول‌های این گزارش بر پایه‌ی اطلاعات در دسترس تنظیم شده است؛ با این حال، به دلیل محدودیت‌های اطلاع‌رسانی، ممکن است شمار واقعی موارد بیش‌تر از آن چیزی باشد که در فهرست آمده است.

استان	تعداد موارد	توضیحات (انواع مشاهده‌شده)
تهران	۳۶	بازداشت‌ها در تجمعات/مراسم خاکسپاری، احضارها، ضرب‌وشتم، احکام حبس (اوین/شهریار)، ممنوع‌الخروجی، نظارت الکترونیکی، یورش و ضبط وسایل، احکام انضباطی
فارس	۳۴	بازداشت‌ها، احکام سنگین و سپس کاهش یافته، احضارها، محرومیت از فعالیت اینترنتی، ممنوع‌الخروجی، جریمه نقدی، پابند الکترونیکی/حبس خانگی، یورش و ضبط وسایل
گیلان	۲۴	احضارهای مکرر در رشت، احکام حبس (لاکان)، بازداشت‌ها، بازداشت پیشگیرانه پیش از روز معلم
اصفهان	۲۴	شامل ۱۸ بازداشت در مجمع شهرضا؛ بازداشت‌ها/محکومیت‌ها در نجف‌آباد؛ احکام تبعید؛ یورش و ضبط وسایل
کردستان	۲۱	بازداشت‌ها و احضارها در سقز/سنندج/مریوان/دهگلان؛ احضار ۱۵ نفره در سنندج؛ شلاق/جریمه نقدی؛ اقدامات انضباطی
کرمان	۱۹	احضار گسترده ۲۶ فروردین؛ چندین حکم در مرداد ۱۴۰۴؛ احضار جداگانه بابت اتهام ارتباط با اسرائیل
بوشهر	۱۵	احضارهای متعدد در ۲۷ مهر؛ احکام شلاق/جریمه در ۱۲ آبان؛ بازداشت در تجمع ۱۲ مرداد؛ محکومیت‌های حبس
خراسان شمالی	۱۳	احضارها و محکومیت‌های مکرر (واحدی، صفدری، رمضان‌پور)؛ ورود به زندان برای اجرای حکم
البرز (کرج)	۱۱	احکام دادگاه انقلاب کرج؛ آرای دادگاه تجدیدنظر البرز؛ تمدید حبس خانگی؛ ممنوع‌الخروجی
خوزستان	۷	بازداشت‌ها و احضارها در ایذه/بهبهان/اهواز/مسجدسلیمان

خراسان رضوی	۶	بازداشت‌ها/محکومیت‌ها در مشهد (عرفانیان، رجبی، عابدینی)، بازرسی و ضبط وسایل
کهگیلویه و بویراحمد	۵	احضارها در یاسوج/گچساران؛ رسیدگی‌های قضایی
آذربایجان غربی	۴	محکومیت در ارومیه (بستانچی)، بازداشت در سردشت، یورش و ضبط وسایل
ایلام	۲	محکومیت در آبدانان همراه با تبعید اجباری
مرکزی	۲	محکومیت/انتقال به زندان در اراک
قزوین	۲	احضارهای طاهرخانی + حکم سه سال حبس و ممنوع‌الخروجی
چهارمحال و بختیاری	۱	محکومیت در لردگان که به جریمه نقدی تبدیل شد
همدان	۱	بازداشت رضا مسلمی مقابل مدرسه
کرمانشاه	۱	احضار عبدالله رضایی
لرستان	۱	ارجاع پرونده امیر اسماعیلی به دادگاه → انتقال به زندان
مازندران	۱	—
سیستان و بلوچستان	۱	تبعید اجباری/اقامت اجباری در فنوج
زنجان	۱	مقصد تبعید در پرونده تدریسی

ضمیمه ۲

جدول زمانی اقدامات انضباطی
وزارت آموزش و پرورش

علیه معلمان
و فعالان صنفی

جدول زمانه اقدامات انضباطی وزارت آموزش و پرورش و بیروتر علیه معلمان و فعالان صنفی

این ضمیمه اقدامات انضباطی وزارت آموزش و پرورش و نهادهای اداری وابسته را از شهریور ۱۴۰۲ تا شهریور ۱۴۰۴ ثبت می‌کند. موارد ثبت‌شده شامل اخراج، بازنشستگی اجباری، تنزل رتبه، تعلیق، رد صلاحیت استخدامی و تبعید هستند که از سوی هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر تخلفات اداری، کمیته‌های گزینش و دیوان عدالت اداری اعمال شده‌اند.

مهر ۱۴۰۲

✕ ۹ مهر ۱۴۰۲ / ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳ - محمد درکش (تهران): از سوی هیئت تخلفات اداری (براساس گزارش حراست) به دلیل شرکت در تجمعات صنفی اخراج شد. پس از ۱۸ ماه پیگیری و حکم دیوان عدالت اداری، به مدرسه بازگردانده شد.



✕ ۱۲ مهر ۱۴۰۲ / ۴ اکتبر ۲۰۲۳ - حسن نظریان، فعال صنفی معلمان گیلان، از سوی هیئت تخلفات اداری اداره کل آموزش و پرورش گیلان اخراج شد.



✕ ۲۳ مهر ۱۴۰۲ / ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳ - ابوالفضل رحیمی‌شاد، معلم تهرانی، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به اتهام «تحریک دانش‌آموزان در جریان ناآرامی‌های اخیر» به بازنشستگی اجباری و تنزل رتبه محکوم شد.



آبان ۱۴۰۲

✕ ۲۸ آبان ۱۴۰۲ / ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ - شهناز رامرم، معلم خراسان رضوی، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به دلیل «برداشتن حجاب در کلاس دخترانه» و «فیلم‌برداری از دانش‌آموزان در حال نوشتن شعارهای اعتراضی در جریان جنبش زن، ژیان، آزادی» اخراج شد.



✕ ۲۹ آبان ۱۴۰۲ / ۲۰ نوامبر ۲۰۲۳ - حمید جعفری نصرآبادی، معلم اهل کاشان، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری به اخراج و بازنشستگی اجباری محکوم شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام» و «اهانت به رهبری». او پیش‌تر در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ اکتبر ۲۰۲۲) در جریان اعتراضات ژن، ژیان، ئازادی بازداشت و به ۱۵ ماه حبس تعلیقی، دو سال محرومیت شغلی و ممنوع‌الخروجی محکوم شده بود.



آذر ۱۴۰۲

✕ ۱۶ آذر ۱۴۰۲ / ۷ دسامبر ۲۰۲۳ - ایمان شهوندی، معلم اهل پاسارگاد (فارس)، به یک سال اخراج از خدمت محکوم شد. اتهام: «رفتار نامناسب در شبکه‌های اجتماعی» در حمایت از همکاران و دانش‌آموزان بازداشت‌شده در اعتراضات ژن، ژیان، آزادی.



دی ۱۴۰۲

✕ ۱ دی ۱۴۰۲ / ۲۲ دسامبر ۲۰۲۳ - نیما سهرابی‌نژاد، معلم اهل رزن (همدان)، از سوی دیوان عدالت اداری از استخدام در وزارت آموزش و پرورش رد صلاحیت شد. او فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان همدان در رشته علوم اجتماعی است. پیش‌تر به‌دست دادگاه انقلاب همدان به سه ماه حبس محکوم و پس از تحمل، آزاد شده بود.



✕ ۲ دی ۱۴۰۲ / ۲۳ دسامبر ۲۰۲۳ - حکمت صالحی، معلم اهل مریوان (کردستان)، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به تبعید اداری به بیجار (کردستان) محکوم شد. اتهام: حمایت از معترضان جنبش ژن، ژیان، آزادی.



✕ ۱۵ دی ۱۴۰۲ / ۵ ژانویه ۲۰۲۴ - لیدا اسماعیلی، فعال صنفی معلمان البرز، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری به بازنشستگی اجباری و تنزل رتبه محکوم شد.



✕ ۱۸ دی ۱۴۰۲ / ۸ ژانویه ۲۰۲۴ - تحسین مصطفی، فعال صنفی معلمان مریوان، به‌دست دیوان عدالت اداری به «کسر حقوق و مزایا» به اتهام «رهبری جنبش ژن، ژیان، آزادی» محکوم شد.



Ø ۱۹ دی ۱۴۰۲ / ۹ ژانویه ۲۰۲۴ - **علی حاجی**، فعال صنفی معلمان آذربایجان شرقی، از سوی هیئت تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به شش ماه تعلیق محکوم شد. دلیل: انتشار پستی در توییتر (اکنون ایکس) با مضمون «همه را در ایران بازداشت کنید».



Ø ۲۰ دی ۱۴۰۲ / ۱۰ ژانویه ۲۰۲۴ - **فاطمه سوقندی**، معلم اهل نیشابور، به دست کمیته گزینش وزارت آموزش و پرورش از شغل معلمی اخراج شد. او پیش‌تر از سوی دادگاه انقلاب تحت تعقیب قرار گرفته بود.



بهمن ۱۴۰۲

Ø ۱ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴ - سه فعال صنفی معلمان البرز از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری هر کدام به سه ماه تعلیق از خدمت محکوم شدند:



- **لطفعلی جمشیدی**
- **غلامعلی شهریاری**
- **رحمان عبدینی**

Ø ۳ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ - **عزیز قاسم‌زاده**، فعال صنفی معلمان گیلان، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. اتهامات: «سخنرانی‌های تحریک‌آمیز»، «خواندن ترانه‌های انحرافی»، «غیبت از کلاس‌ها»، «شرکت در تجمعات و تحصن‌های غیرمجاز».



Ø ۱۱ بهمن ۱۴۰۲ / ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴ - **کریم بستانچی خضرآباد**، فعال صنفی معلمان آذربایجان غربی، از سوی هیئت تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به بازنشستگی اجباری و تنزل رتبه محکوم شد. اتهامات: «استفاده از الفاظ نامناسب و تصاویر تمسخرآمیز علیه مسئولان»، «زیر سؤال بردن حجاب»، و «حمایت از انجمن‌های غیرقانونی معلمان».



Ø ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ / ۴ فوریه ۲۰۲۴ - **محمد سعیدی ابوعساقی**، معلم اهل چهارمحال و بختیاری، از سوی دیوان عدالت اداری از وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. اتهامات: «حمایت از خیزش ژینا»، «همراهی با خانواده‌های داغدار» و «شرکت در تجمعات معلمان».



اسفند ۱۴۰۲

۱ اسفند ۱۴۰۲ / ۲۰ فوریه ۲۰۲۴ - سارا سیاه‌پور از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری آموزش‌وپرورش اخراج شد. او پیش‌تر به‌دست دادگاه انقلاب تهران به پنج سال حبس محکوم شده بود. اتهامات: فعالیت صنفی و کنش‌گری قانونی، شرکت در تجمعات قانونی معلمان، انتشار عکس‌های بدون حجاب، و حمایت از کمپین ژن، ژیان، آزادی.



۱۷ اسفند ۱۴۰۲ / ۷ مارس ۲۰۲۴ - محمود ملکی، فعال صنفی معلمان بوشهر، از سوی دیوان عدالت اداری از خدمت اخراج شد. پیش‌تر احکام شلاق و حبس او به جریمه نقدی تبدیل و به اجرای احکام ارجاع شده بود.



۱۸ اسفند ۱۴۰۲ / ۸ مارس ۲۰۲۴ - حسن نظریان، فعال صنفی معلمان گیلان، که پیش‌تر از سوی هیئت تجدیدنظر آموزش‌وپرورش اخراج و از رتبه‌بندی حذف شده بود، حکم او به‌دست دیوان عدالت اداری تأیید شد.



۲۲ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۲ مارس ۲۰۲۴ - محمد مرادی نصری، معلم و کنشگر فرهنگی اهل سنندج (کردستان)، در فرآیند گزینش به‌دست نهادهای امنیتی رد صلاحیت شد. دلایل: انتشار اشعار کردی، برگزاری جایزه ادبی، مشارکت در جشنواره گلاویژ و مصاحبه‌های رسانه‌ای درباره ادبیات کردی.



فروردین ۱۴۰۳

۳ فروردین ۱۴۰۳ / ۲۳ مارس ۲۰۲۴ - جواد تقوی، دانشجو-معلم اهل یاسوج، از سوی کمیته گزینش آموزش‌وپرورش اخراج شد.



۱۶ فروردین ۱۴۰۳ / ۴ آوریل ۲۰۲۴ - سکینه ملکی، فعال صنفی معلمان بندرانزلی (گیلان)، به‌دست هیئت تجدیدنظر آموزش‌وپرورش اخراج شد. اتهامات: «ارتباط با ضدانقلاب»، «عضویت در گروه‌های مخالف با هدف براندازی» و اتهامات مشابه.

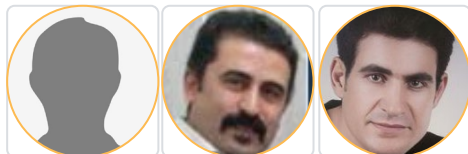


۱۸ فروردین ۱۴۰۳ / ۶ آوریل ۲۰۲۴ - سلمان موسوی، فعال صنفی معلمان خرم‌آباد (لرستان)، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش‌وپرورش به یک سال تعلیق همراه با قطع حقوق و مزایا محکوم شد. اتهامات: «تبلیغ علیه نظام»، «تشویش اذهان عمومی» و «شایعه‌پراکنی».



اردیبهشت ۱۴۰۳

۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ / ۲۸ آوریل ۲۰۲۴ - سه فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان) به دست واحدهای انضباطی و حراست آموزش و پرورش احضار و تهدید شدند. اسامی:



- فرزاد صفی‌خان‌پور
- رضا طهماسبی
- عابد عباسی

(به دلیل پیگیری برگزاری مجمع عمومی انجمن)

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ / ۱۴ مه ۲۰۲۴ - **تحسین مصطفی**، فعال صنفی معلمان مریوان (کردستان)، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری آموزش و پرورش اخراج شد.



خرداد ۱۴۰۳

۵ خرداد ۱۴۰۳ / ۲۵ مه ۲۰۲۴ - **سامن کوشش**، فعال صنفی معلمان مریوان، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اخراج شد. اتهامات: «شرکت در اعتراضات و تحصن‌های خیزش ژینا»، «حذف از رتبه‌بندی»، و صدور حکم تحت فشار نهادهای امنیتی.



۶ خرداد ۱۴۰۳ / ۲۶ مه ۲۰۲۴ - **سمیه اخترشمار**، فعال صنفی معلمان مریوان، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اخراج شد. اتهامات: «شرکت در اعتراضات» و «حمایت از معلمان زندانی».



۷ خرداد ۱۴۰۳ / ۲۷ مه ۲۰۲۴ - **روح‌الله مردانی**، فعال صنفی معلمان کرج، به دست هیئت تخلفات اداری استان البرز اخراج و به بازنشستگی اجباری محکوم شد. اتهامات: «شرکت در اعتراضات» و «انتشار مطالب سیاسی در صفحات شخصی».



۷ خرداد ۱۴۰۳ / ۲۷ مه ۲۰۲۴ - **شهربانو اسدی**، معلم اهل رشت (گیلان)، به دست هیئت گزینش اداره کل آموزش و پرورش گیلان (با تأیید هیئت تخلفات) اخراج شد. دلیل: فعالیت آنلاین. حکم اخراج او بعداً در ۱۴ مهر ۱۴۰۳ / ۵ اکتبر ۲۰۲۴ از سوی دیوان عدالت اداری لغو و حکم بازگشت به کار صادر شد.



۸ خرداد ۱۴۰۳ / ۲۸ مه ۲۰۲۴ - **علی حاجی**، فعال صنفی معلمان آذربایجان شرقی، از سوی هیئت تجدیدنظر آموزش و پرورش به شش ماه تعلیق محکوم شد.



✕ ۱۰ خرداد ۱۴۰۳ / ۳۰ مه ۲۰۲۴ - حمید جعفری نصرآبادی، معلم اهل کاشان، از سوی دیوان عدالت اداری از خدمت اخراج شد.



تیر ۱۴۰۳

✕ ۱۲ تیر ۱۴۰۳ / ۲ ژوئیه ۲۰۲۴ - علی عامری، معلم اهل بردسکن (خراسان رضوی)، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به دو ماه تعلیق محکوم شد. اتهامات: «نشر اکاذیب»، «تشویش اذهان عمومی» و اتهامات مرتبط.



✕ ۱۸ تیر ۱۴۰۳ / ۹ ژوئیه ۲۰۲۴ - عزیز قاسم‌زاده، فعال صنفی معلمان گیلان، از سوی دیوان عدالت اداری اخراج شد.

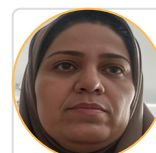


✕ ۱۸ تیر ۱۴۰۳ / ۹ ژوئیه ۲۰۲۴ - دیاکو علوی، معلم اهل سقز (کردستان)، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اخراج شد. او پیش‌تر به‌دست دادگاه انقلاب سقز در دو پرونده جداگانه به ۱۵ ماه و ۱۰ ماه حبس محکوم شده بود.



مرداد ۱۴۰۳

✕ ۷ مرداد ۱۴۰۳ / ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴ - فرمیسک فتاحی، معلم اهل مریوان (کردستان)، از سوی دیوان عدالت اداری از خدمت اخراج شد.



✕ ۲۶ مرداد ۱۴۰۳ / ۱۷ اوت ۲۰۲۴ - کوکب بداغی پگاه، فعال صنفی معلمان ایذه (خوزستان)، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به چهار ماه تعلیق محکوم شد. دلیل: «عضویت در گروه واتس‌آپ صنفی» و «ارتباط با کانال ممنوعه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران».



شهریور ۱۴۰۳

✕ ۲۲ شهریور ۱۴۰۴ / ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۵ - همین پرونده در هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری اداره‌کل آموزش و پرورش خوزستان نهایی شد و حکم سه ماه تعلیق از خدمت صادر گردید.

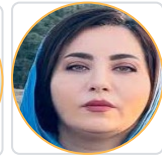
مهر ۱۴۰۳



✕ ۴ مهر ۱۴۰۳ / ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴ - محمدحسین سپهری، معلم اهل خراسان رضوی، از سوی دیوان عدالت اداری از خدمت اخراج شد.

✕ ۱۴ مهر ۱۴۰۳ / ۵ اکتبر ۲۰۲۴ -

- اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان تهران، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش تهران اخراج شد.
- سمیه اخترشمار، فعال صنفی معلمان مریوان (کردستان)، از سوی هیئت تجدیدنظر آموزش و پرورش اخراج شد. اتهامات: «عضویت در انجمن صنفی معلمان»، «انتشار در شبکه‌های اجتماعی»، و «طرح نام فعالان صنفی در سؤالات امتحانی».



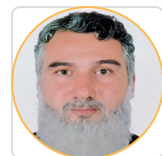
✕ ۱۵ مهر ۱۴۰۳ / ۷ اکتبر ۲۰۲۴ - مهدی معرف، معلم استان البرز، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اخراج و به بازنشستگی اجباری محکوم شد. اتهام: «انتشار مطالب گمراه‌کننده و تحریک‌آمیز که موجب تشویش اذهان عمومی شد».



✕ ۲۳ مهر ۱۴۰۳ / ۱۵ اکتبر ۲۰۲۴ - احمد حیدری نصرت، معلم تهرانی، به‌دست هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به بازنشستگی اجباری محکوم شد. اتهام: «شرکت در تحصن مقابل مجلس».



آبان ۱۴۰۳



✕ ۹ آبان ۱۴۰۳ / ۳۱ اکتبر ۲۰۲۴ - علیرضا اصغری، معلم و روحانی سنی اهل بیرجند (خراسان جنوبی)، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اداره‌کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی از خدمت اخراج شد.

آذر ۱۴۰۳

۴ آذر ۱۴۰۳ / ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴ - شهرزاد علمباز، فعال صنفی معلمان گیلان، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش گیلان به بازنشستگی اجباری و تنزل رتبه محکوم شد. اتهامات: «تشویش اذهان عمومی» و «صدور بیانیه در حمایت از شریفه محمدی» (محکوم به اعدام به اتهام بغی).

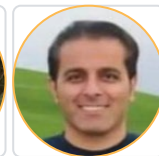


۹ آذر ۱۴۰۳ / ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴ - بیتا قنبری، معلم اهل مازندران، از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش به دو ماه تعلیق محکوم شد.

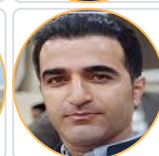


۱۸ آذر ۱۴۰۳ / ۹ دسامبر ۲۰۲۴ - چهار فعال صنفی معلمان دیواندره (کردستان) از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری اخراج یا تبعید شدند:

- امید شاهمحمدی - اخراج؛ پیش‌تر در سال ۱۴۰۱ از سوی دادگاه انقلاب سنندج به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در پژاک» پس از بازداشت خشونت‌آمیز و ۷۶ روز بازداشت بدون دسترسی به وکیل یا ملاقات خانوادگی محکوم شده بود.



- کاوه محمدزاده - اخراج با شرایط مشابه امید شاهمحمدی.



- هیوا قریشی - اخراج با شرایط مشابه امید شاهمحمدی.

- پرویز احسنی - تبعید اداری پنج‌ساله به قروه، با محکومیت‌های مشابه امنیتی در سال ۱۴۰۱.

۱۹ آذر ۱۴۰۳ / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ - لیلا سلیمی، فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان)، به‌دست هیئت تجدیدنظر آموزش و پرورش به دو ماه تعلیق محکوم شد. اتهام: «فعالیت صنفی» و «عضویت در انجمن صنفی معلمان کردستان».



۲۵ آذر ۱۴۰۳ / ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴ - فریبا انامی، فعال صنفی معلمان بندرانزلی (گیلان)، مجدداً از سوی هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش اخراج شد، با وجود این‌که پیش‌تر دیوان عدالت اداری حکم اخراج او را لغو کرده بود.



بهمن ۱۴۰۳

۶ بهمن ۱۴۰۳ / ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵ - احمد پیروزی، معلم اهل تهران، به‌دست هیئت مرکزی گزینش آموزش و پرورش از اشتغال محروم شد. دلیل: «عدم احراز شرایط عمومی گزینش».



۲۲ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۱ فوریه ۲۰۲۵ - محمود صفدری، معلم اهل بجنورد (خراسان شمالی)، حکم «تنزل رتبه و محرومیت یک‌ساله» او از سوی شعبه ۳۱ دیوان عدالت اداری (دادگاه تجدیدنظر) تأیید شد.



اسفند ۱۴۰۳

۲۰ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۰ مارس ۲۰۲۵ - احمد درخشان، معلم اهل کرج، بدون اطلاع‌رسانی رسمی به دو ماه تعلیق از خدمت محکوم شد.



۲۱ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۱ مارس ۲۰۲۵ - هفت فعال صنفی معلمان سنندج (کردستان) به هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری آموزش و پرورش احضار شدند. اتهامات: «تحریک به تجمعات و تحصن‌های غیرقانونی» و «عضویت یا همکاری با گروه‌های محارب».

- لیلا زارعی - پیش‌تر به‌دست هیئت بدوی از سمت معاونت مدرسه عزل و به بازنشستگی اجباری همراه با تنزل یک‌درجه محکوم شده بود.
- نسرين کریمی - با ۲۶ سال سابقه، به بازنشستگی اجباری با کاهش دو طبقه شغلی محکوم شد.
- فیصل نوری - پیش‌تر از سوی هیئت بدوی به تبعید پنج‌ساله به استان کرمانشاه محکوم شده بود.
- صلاح‌الدین حاجی‌میرزایی - پیش‌تر به یک سال تعلیق از خدمت محکوم شده بود.
- محی‌الدین ریحانی - پیش‌تر به پنج سال محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس دولتی محکوم شده بود.
- مجید کریمی - پیش‌تر حکم «اخراج دائم و انفصال از خدمات دولتی» دریافت کرده بود.
- غیاث نعمتی - پیش‌تر به «اخراج دائم از وزارت آموزش و پرورش» محکوم شده بود.



✕ ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۷ مارس ۲۰۲۵ - محسن جاری، معلم
اهل خمینی‌شهر، به‌دست هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری
آموزش‌وپرورش به چهار ماه تعلیق از خدمت محکوم شد. دلیل:
بازنشر چندین پست سیاسی.



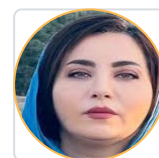
فروردین ۱۴۰۴:

✕ ۳ فروردین ۱۴۰۴ / ۲۳ مارس ۲۰۲۵ - راوین (حشمت) مطاعی، معلم
اهل دهگلان (کردستان)، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری
آموزش‌وپرورش به اخراج دائم محکوم شد. اتهامات: «اهانت به
اسلام» و «تبلیغ علیه نظام». مطاعی پیش‌تر در سال ۱۳۹۲ به
یک سال حبس محکوم شده بود.



اردیبهشت ۱۴۰۴

✕ ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۱ مه ۲۰۲۵ - حکم اخراج سمیه اخترشمار،
فعال صنفی معلمان مریوان (کردستان)، که از سوی هیئت
تجدیدنظر آموزش‌وپرورش صادر شده بود، به‌دست دیوان عدالت
اداری تأیید شد.



✕ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۱۲ مه ۲۰۲۵ - مهدی معرف، معلم استان
البرز، از سوی هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری آموزش‌وپرورش به
شش ماه تعلیق از خدمت محکوم شد. دلیل: انتشار «تصاویر و
ویدیوهای کذب و تحریک‌آمیز با هدف تشویش اذهان عمومی».



خرداد ۱۴۰۴

✕ ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ / ۹ ژوئن ۲۰۲۵ - حکم بازنشستگی اجباری همراه
با تنزل دو رتبه برای سکینه ملکی‌هدک، فعال صنفی معلمان
بندرانزلی (گیلان)، به‌دست دیوان عدالت اداری تأیید شد.



تیر ۱۴۰۴

۲۶ تیر ۱۴۰۴ / ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۵ - **سلیمان عبدی**، فعال صنفی معلمان سقز (کردستان)، از سوی هیئت بدوی تخلفات اداری آموزش و پرورش به بازنشستگی همراه با تنزل دو رتبه محکوم شد.



مرداد ۱۴۰۴

۲۹ مرداد ۱۴۰۴ / ۲۰ اوت ۲۰۲۵ - دو فعال صنفی معلمان سقز (کردستان) به دست هیئت تخلفات اداری محکوم شدند:

- **شهرام کریمی** - شش ماه تعلیق از خدمت.
- **لقمان الله مرادی**، یک سال تعلیق از خدمت.

این احکام در چارچوب فشار بر انجمن صنفی معلمان کردستان (شعبه سقز) صادر شد.



موارد کاهش مجازات در این دوره

۲۶ اسفند ۱۴۰۳ / ۱۶ مارس ۲۰۲۵ - **لیدا اسماعیلی**، معلم در استان البرز، پرونده اش به دست هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش بررسی شد. هیئت تجدیدنظر، حکم اولیه ی «بازنشستگی اجباری همراه با تنزل یک رتبه» را لغو کرد و به جای آن مجازات «چهار ماه تعلیق از خدمت» را اعمال نمود.



جدول ۳: اقدام‌های اداری . انضباطی علیه معلمان به تفکیک استان

(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)

این جدول و دیگر جدول‌های این گزارش برپایه‌ی اطلاعات در دسترس تنظیم شده است؛ با این حال، به دلیل محدودیت‌های اطلاع‌رسانی، ممکن است شمار واقعی موارد بیش‌تر از آن چیزی باشد که در فهرست آمده است.

استان	تعداد موارد	توضیحات (انواع مشاهده‌شده)
کردستان	۲۸	اخراج‌ها، تعلیق‌ها، بازنشستگی‌های اجباری/تنزل رتبه، تبعیدها/انتقال اجباری، احضارها/تهدیدها، آرای تجدیدنظر، احکام دیوان عدالت اداری (فقط اقدامات اولیه ثبت شده)
گیلان	۱۰	اخراج‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه، تعلیق‌ها، آرای تجدیدنظر، احکام دیوان عدالت اداری
البرز (کرج)	۱۰	اخراج‌ها، تعلیق‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه، آرای تجدیدنظر
تهران	۶	اخراج‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه، رد گزینش/محرومیت از اشتغال، آرای دیوان عدالت اداری
خراسان رضوی	۴	اخراج‌ها، تعلیق‌ها، رد گزینش/محرومیت از اشتغال
اصفهان	۳	اخراج‌ها، تعلیق‌ها، بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه
آذربایجان شرقی	۲	تعلیق‌ها
خوزستان	۲	تعلیق‌ها (از جمله تأیید در هیئت تجدیدنظر)
فارس	۱	اخراج
همدان	۱	رد گزینش/محرومیت از اشتغال
آذربایجان غربی	۱	بازنشستگی اجباری/تنزل رتبه
چهارمحال و بختیاری	۱	اخراج
بوشهر	۱	اخراج
کهگیلویه و بویراحمد	۱	اخراج
لرستان	۱	تعلیق/قطع حقوق
خراسان جنوبی	۱	اخراج
مازندران	۱	تعلیق

مناجع

و

پینوشتها

۱. ایران‌وایر. «علیرضا مرداسی، معلم اهوازی در آستانه اعدام.» ایران‌وایر، ۴ مرداد ۱۴۰۴ <https://shorturl.at/vPHhC>

۲. Radio Free Europe/Radio Liberty. "Iran: Education Reform Sparks Controversy." February 23, 2007. <https://www.rferl.org/a/1075361.html>

۳. رادیو فردا. «گزارش وزارت آموزش و پرورش از افت استانداردها خبر می‌دهد.» ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷ https://www.radiofarda.com/a/f4_Education_ministry_report/424153.html

۴. Front Line Defenders. "Iranian Teachers' Trade Association." Accessed 2025. <https://www.frontlinedefenders.org/en/organization/iranian-teachers-trade-association>

۵. Education International. "Farzad Kamangar: EI Outraged at Iranian Teacher's Execution." May 2010. <https://www.ei-ie.org/en/item/17811:farzad-kamangar-ei-outraged-at-iranian-teachers-execution>

۶. Center for Human Rights in Iran. "Academic Year in Iran Begins with Imprisonment of Teachers, Arbitrary Arrests." September 2023. <https://iran-humanrights.org/2023/09/academic-year-in-iran-begins-with-imprisonment-of-teachers-arbitrary-arrests>

۷. Education International Research and Coordinating Council of Iranian Teacher Trade Associations (CCITTA). Chemical Attacks on Female Students in Iran: Education Fact Sheet. July 2023

۸. انصاف‌نیوز. «طاهره نقی‌ئی، نایب رئیس دوم جبهه اصلاحات و دبیر کل سازمان معلمان به حبس محکوم شد.» ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ <https://ensafnews.com/429408>

۹. شادی ملکی. «پرونده‌های باز معلمان.» شرق، ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ <https://shorturl.at/BTaZS>

۱۰. کردپا. «سرکوب فعالین صنفی معلمان گُردستان.» ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ <https://kurdpa.net/fa/news/2025/08/34>



۱۱. معاونت امور تربیتی و پرورشی در اصل یکی از نهادهای اصلی بوروکراتیک در وزارت آموزش و پرورش ایران بود که اوایل دهه ۱۳۶۰ برای نهادینه کردن دستور کار ایدئولوژیک و اخلاقی جمهوری اسلامی در مدرسه‌ها ایجاد شد. مأموریت آن تضمین این بود که محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت‌های فوق‌برنامه و رفتار معلمان بازتاب‌دهنده ارزش‌های «انقلاب اسلامی» باشد. در دهه ۱۳۸۰، در بحبوحه فشارهای اصلاح‌طلبانه برای غیرسیاسی کردن مدرسه‌ها و تمرکز بر آموزش، نفوذ این معاونت کاهش یافت و برخی از وظایفش در ادارات آموزشی گسترده‌تر ادغام شد. در آذر ۱۳۸۰، دستور انحلال «معاونت امور تربیتی و پرورشی» به دست وزیر وقت آموزش و پرورش امضا شد. با این حال، در ۲ مه ۲۰۰۶، رهبر جمهوری اسلامی در جمع فرهنگیان گفت: «آن روزی که معاونت‌های پرورشی را از سطوح مختلف حذف کردند، بنده صریحاً با این کار مخالفت کردم؛ به من هم نگفتند که بنا ندارند این حرف را گوش نکنند؛ اما گوش نکردند. مهمترین کاری که باید امروز در کنار آن قاعده‌سازی انجام بگیرد، این است که به مقوله‌ی پرورش - به هر شکلی - اهمیت داده شود؛ نه چون ما مسلمانیم، مسئله فقط این نیست. امروز در دنیای غرب از لحاظ دانش و فناوری پیشرفته، مسئله‌ی پرورش در بسیاری از کشورها جزو آن مبانی اصلی است؛ مسئول و مأمور پرورشی وجود دارد. به پرورش اهمیت می‌دهند.» پس از این سخنان، در فروردین ۱۳۸۴، مجلس هفتم کلیات «طرح احیای معاونت پرورشی و تربیت بدنی و سلامت» را تصویب کرد و به تایید شورای نگهبان رساند.

Center for Human Rights in Iran. "Academic Year in Iran Begins with Im- prisonment of Teachers, Arbitrary Arrests."

Center for Human Rights in Iran. "Interview: The Ongoing Struggle of Iran's Teachers." September 2024. <https://iranhumanrights.org/2024/09/interview-the-ongoing-struggle-of-irans-teachers/>.

۱۴. کوردپا. «از احکام قطع رتبه‌بندی تا انفصال و اخراج علیه معلمان کردستان + ۴۷ اسامی»، ۱۴ بهمن ۱۴۰۳
<https://kurdpa.net/fa/news/2025/02/1>

۱۵. کولبرنیوز. «کوردستان؛ صدور احکام انضباطی برای ۷ معلم در سقز و دیواندره». شهریور ۱۴۰۴.
<https://kolbarnews.com/2025082302-2/>

۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «احتمال کمبود ۱۷۶ هزار معلم در ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳». دسترسی در ۲۵.۲۰۲۵.
<https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1806957>

۱۷. داوطلب. «بیانیه جامعه مدنی درباره آموزش». ۸ اوت ۲۰۲۵.
<https://davalab.org/2025/3939>

۱۸. برخی از پژوهش‌های دانشگاهی در ایران در سال‌های اخیر به مسأله‌ی فرسودگی و خستگی و فقدان سلامت روانی معلمان در کشور پرداخته‌اند و عوامل آن را واکاویده‌اند، از جمله:

* اعتمادی، عذرا، و منیژه فقیه. ۱۳۸۷. «بررسی علل فرسودگی شغلی معلمان مقطع ابتدایی اصفهان». مشاوره شغلی و سازمانی ۲، ش ۲: ۷۳-۸۸.

* باردل، محمد، قهرمان مددلو، نسرين حسين پور، و مسعود ولي‌زاده. ۱۳۹۸. «بررسی تجارب زیسته معلمان از فرسودگی شغلی: مطالعه پدیدارشناسانه». توسعه حرفه‌ای معلم ۴، ش ۲: ۱-۱۴.

* پرداختچی، محمدحسن، غلامعلی احمدی، و فریده آرزومندی. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی در بین معلمان و مدیران شهرستان تاکستان». فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار ۳، ش ۳: ۲۵-۵۰.

* پوررجب، معصومه، اکبر پناهی‌درچه، حسین صادقی، و ستاربابا احمدی‌میانی. ۱۳۹۹. «عوامل مؤثر در فرسودگی شغلی معلمان». مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری ۵، ش ۴۲: ۳۴-۵۵.

* جواد، رحم‌خدا، محسن رسولی، علی‌محمد نظری، و جعفر حسنی. ۱۳۹۶. «عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی معلمان: ارائه مدل ساختاری». فصلنامه علمی - تخصصی توسعه حرفه‌ای معلم ۲، ش ۳: ۵-۳۸.

* رستمی، علیرضا، علی نوروزی، عادل زارعی، محسن امیری، و مهران سلیمانی. ۱۳۸۷. «بررسی رابطه فرسودگی شغلی و سلامت روان با نقش کنترل‌کنندگی جنسیت و تاب‌آوری در میان معلمان ابتدایی». سلامت کار ایران ۵، ش ۳ و ۴: ۶۸-۷۵.

* رضایی، اعظم، و مرضیه حیدری. ۱۴۰۱. «نقش میانجی فرسودگی شغلی در رابطه بین احساسات معلم با رضایت شغلی». فصلنامه علمی آموزش و پرورش متعالی ۲، ش ۲: ۳۱-۴۵.

* لطفی‌نیا، حسین، و حسین محسنی‌نیا. ۱۳۸۹. «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی تبریز». علوم تربیتی ۳، ش ۱۱: ۹۳-۱۰۶.

* مهدی‌نژاد، مرضیه. ۱۴۰۰. «پیش‌بینی فرسودگی شغلی معلمان بر اساس شادکامی آنان». مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری ۷، ش ۵۵: ۱۴۵-۱۵۲.

* هاشمی، سیداحمد. ۱۳۹۷. «اثربخشی آموزش گروهی شفقت‌خود بر فرسودگی شغلی و رضایت شغلی معلمان». روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی ۹، ش ۳۱: ۲۵-۴.

۱۹. شبکه حقوق بشر کردستان. «گزارش ویژه درباره اخراج معلمان». ۲۶ اوت ۲۰۲۵.

<https://kurdistanhumanrights.org/fa/publications-fa/special-reports-fa/2025/08/26/p44269>

۲۰. شبکه حقوق بشر کردستان. «دادگاه سنج ۱۵ فعال صنفی معلم کرد را بابت اعتراض ۲۰۲۲ احضار کرد». ۳ ژوئن ۲۰۲۵.

<https://kurdistanhumanrights.org/en/news/2025/06/03/sanandaj-court-summons-15-kurdish-teacher-activists-over-2022-protest>

۲۱. کولبرنیوز. «دیواندره و سقز: دادگاه اخراج معلمان را تأیید کرد.» اوت ۲۰۲۵.
<https://kolbarnews.com>

۲۲. لیلا رزاقی. «تجمع معلمان در شیراز چگونه پرشور شد؟ گزارشی از یک تجربه موفق سازماندهی.» میدان، ۲۷ آذر ۱۴۰۰ <https://meidaan.com/archive/81655>

۲۳. Iranwire, 'I Went to Prison for Teaching Kurdish': Iran's War on Language Diversity, 13 March 2025. <https://iranwire.com/en/features/139748-i-went-to-prison-for-teaching-kurdish-irans-war-on-language-diversity/>

۲۴. Center for Human Rights in Iran. "Non-Persian Mother Languages Treated as National Security Threat in Iran." February 2021. <https://iranhumanrights.org/2021/02/non-persian-mother-languages-treated-as-national-security-threat-in-iran/>.

۲۵. Center for Human Rights in Iran. "Khuzestan Teachers under Pressure." October 2013. <https://iranhumanrights.org/2013/10/khuzestan-teachers/>.

۲۶. Central Asia News. "Radio Programme Reveals Extent of Turkmen Oppression by Iranian Regime." July 23, 2020. https://central.asia-news.com/en_GB/articles/cnmi_ca/features/2020/07/23/feature-01.

۲۷. Ahmad Medadi and Amir Hossein Mahdavi, "Teacher Unions Involvement in Education Policy: Lessons from the Iranian Teachers Movement," Globalisation, Societies and Education 23, no. 1 (2025): ۱۲۵–144, <https://doi.org/10.1080/14767724.2024.2305225>

۲۸. حمله‌های خرداد ۱۴۰۴ اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به ایران به‌طور چشمگیری تعداد اعتراضات را کاهش داده است. ما گزارش‌ها از اعتراضات را تا آغاز جنگ در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ گردآوری کرده‌ایم. پس از آن تنها چند مورد معدود رخ داده است.

۲۹. صدای مردم. «جای معلم معترض زندان نیست – تجمع دانش‌آموزان شیرازی در اعتراض به اجرای حکم حبس مژگان باقری.» صدای مردم. ۲ آذر ۱۴۰۲.
<https://www.sedayemardom.net/?p=۱۲9368>

۳۰. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران. «اعتراض گسترده‌ی دانش‌آموزان قم به امتحانات.» ۲۹ خرداد ۱۴۰۳.
<https://t.me/kashowra/19367>

۳۱. رادیو فردا. «چرا با وجود عقب‌نشینی معلمان از تجمعات اعتراضی، سرکوب آنان ادامه دارد؟» ۹ آوریل ۲۰۲۴.
<https://www.radiofarda.com/a/32897295.html>

۳۲. داوود محمدی.. «آسیب‌شناسی تشکلهای فرهنگیان: تشکلهای بر علیه تشکلهای.» صدای معلم، ۱۰ مهر ۱۳۹۷.
<https://tinyurl.com/nhd4vujx>

داوطلب. «کنشگران صنفی و مدنی، وضعیت جنبش معلمان را بررسی کردند.» ۱۳ آوریل ۲۰۲۲.
<https://davtalab.org/2022/1726/>



کلاس زیر سایه ی سرکوب:

وضعیت آزادی انجمن و تجمع معلمان در ایران

(مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۴)



www.davtalab.org

